

# پیشخوان

## عصر

روزنامه اجتماعی قضای  
شنبه  
۱۲ بان ۱۴۰۳ • ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۴۶ • 2 November 2024  
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و پنجاه و شش  
www.asrghanoon.ir

# جنگ زیباله‌ها

### پس از آنکه بایدن هواداران ترامپ را زیباله خواند، ترامپ با سوار شدن بر کامیون حمل زیباله، بایدن و هریس را زیباله خطاب کرد

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا و نامزد کنونی جمهوری خواهان در انتخابات پیشروی ریاست جمهوری آمریکا در اقدامی نادر، با پوشیدن لباس رفتگران، کنفرانس مطبوعاتی خود در ایالت ویسکانسین را سوار بر کامیون حمل زیباله برگزار کرد. این اقدام پس از آن انجام شد که «جو بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا، حامیان ترامپ را «آشغال» خواند. ترامپ در این کنفرانس خبری اعلام کرد: حامیان من آشغال نیستند. من می‌توانم به شما بگویم که آشغال‌های واقعی چه کسانی هستند، اما نمی‌گویم. این سخنان بایدن یک لکه ننگ واقعی است.

در صفحه ۴ بخوانید



#### شگفتی جهانی در سایه ناکامی



تصویری که سلطنت‌طلبان و براندازان از ایران و ملت ایران ترسیم کرده بودند این بود که با آغاز حمله رژیم صهیونیستی، اقتصاد ایران دچار فروپاشی می‌شود و مردم به خیابان‌ها می‌ریزند و سرنگونی رخ می‌دهد.

۲

#### درک ایرانی از سیاست به مثابه فن



جامعه ایرانی هرچه درگیر بحث‌های روشنفکری نیز باشد باز نمی‌تواند سیاست را به معنای قدرت‌محورش درک کند. سیاست عرصه‌ای است که عدالت به آن موضوعیت دارد.

۳

#### مدیریت غزه پس از یحیی سنوار



رژیم غاصب با به شهادت رساندن سنوار، در واقع کینه‌های کرانه باختری را آبیاری کرد و این به آن معناست که شهادت هنیه، عاروری و سنوار ممکن است به «حماس اداری» آسیب زده باشد.

۴

#### فیلترینگ، جدی بودن یک ساده‌سازی



اگر قرار بر این است که فکری برای مسئولیت پلتفرم شود حتماً باید فکری هم برای تخلف اپراتور شود و در آن طرح کلی، سیاست ما این باشد که هم تخلف اپراتور و هم تخلف‌های دیگر موثر در کندی اینترنت مورد بررسی واقع شود.

۷

#### هنر اصیل ایرانی روبه فراموشی است



افغانستان در سالهای دور جزو ایران بوده اما سالهاست که از ایران جدا شده و هویت و فرهنگ جداگانه‌ای دارند. اتباعی که به صورت غیرمجاز به کشور آمده‌اند در دسرهایی را برای مردم ایجاد کرده‌اند.

۷

#### اجازه دست‌درازی داده نخواهد شد



جامعه ورزش می‌خواهد این پیام را به تمام دنیا اعلام کند که اجازه هیچ‌گونه دست‌درازی را نخواهد داد و در کنار مردم شریف ایران، پاسدار خون تمام شهدا خواهد بود.

۸

## شگفتی جهانی در سایه ناکامی

محسن ردادی

### خطای محاسباتی رژیم صهیونی در حمله به ایران

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیاناتشان تأکید کردند رژیم صهیونی درباره ایران دچار «خطای محاسباتی» شده است. فرمایش معظم له نکات مهمی برای تحلیل دارد.

اولین نکته این است که رژیم صهیونی، بی‌خردانه و غیر کارشناسی تصمیم‌گیری نمی‌کند. وقتی از «خطای محاسباتی» صحبت می‌کنیم به این معناست که این رژیم به صورت مستمر به رصد، محاسبه، تحلیل و سنجش مشغول است و بر مبنای کارشناسی‌ها تصمیم‌گیری می‌کند اما آنچه رهبر انقلاب بر آن تأکید می‌کنند این است که این فرآیند بی‌عیب و نقص نیست و دارای برخی خطاهای محاسباتی است که باعث شده اهداف رژیم صهیونی برآورده نشود.

به نظر می‌رسد در ماه‌های اخیر خطاهای محاسباتی رژیم صهیونی افزایش یافته که به برخی از آنها اشاره می‌کنم. با تجربه جنگ ۳۳ روزه، برآورد رژیم صهیونی این بود که به شهادت رساندن فرماندهان مقاومت حزب‌الله می‌تواند باعث فروپاشی و زمین‌گیر شدن این بخش از محور مقاومت شود. بنابراین با دقت بسیار و با استفاده از سهمگین‌ترین و پیشرفته‌ترین تجهیزات، شروع به قتل‌عام فرماندهان حزب‌الله در همه رده‌ها کرد. برای اطمینان از نتیجه، عملیات تروریستی بی‌سابقه پیچ‌ها را به اجرا درآورد که افراد مؤثر و عملیاتی حزب‌الله که در رده‌های فرماندهی نبودند نیز از میدان خارج شوند. این محاسبات دقیق، منجر به توقف حزب‌الله نشد و داده‌های میدانی نشان می‌دهد حزب‌الله خود را بازسازی کرده و مشغول عملیات‌های تهاجمی علیه رژیم صهیونی است. تلفات نظامیان صهیونیست در لبنان، در این مدت کوتاه بیش از تلفات در غزه بود و هنوز موفق نشده جنوب لبنان را به اشغال خود درآورد. به علاوه، بازگشت آوارگان صهیونیست به شمال سرزمین‌های اشغالی که هدف اصلی از حمله به لبنان بود نیز محقق نشده است. ناکارآمدی اقدامات رژیم به دلیل خطای محاسباتی آن است.

اشکارترین خطای محاسباتی رژیم صهیونی، به انتشار فیلم شهادت فرمانده بزرگ مقاومت «یحیی سنوار» بازمی‌گردد. انتشار فیلم حماسی مبارزه و شهادت سنوار، ملت‌های مسلمان را تکان داد و حتی احترام و تعظیم بسیاری از غیرمسلمانان را برانگیخت. هیچ فیلمبرداری غیر از صهیونیست‌ها در آن منطقه نبود و اگر این فیلم را ضبط و منتشر نمی‌کردند، این لحظات ناب و غرورانگیز هرگز ثبت نشده و در تاریخ ماندگار نمی‌شد اما رژیم صهیونی با خطای محاسباتی این فیلم را منتشر کرد و از بازتاب‌های آن حیرت‌زده شد. یورونیوز با اذعان به تأثیر این فیلم بر اسطوره شدن یحیی سنوار، این پرسش را مطرح می‌کند: چرا تل‌آویو چنین اشتباهی را مرتکب شد؟ مقامات صهیونیست پاسخ می‌دهند قصد آنها به تصویر کشیدن آخر و عاقبت یک تروریست (!) بود. ظاهراً تصور این بود که وقتی مردم فلسطین و سایر شهروندان مسلمان، تنهایی و دست‌های خالی شهید سنوار را ببینند، ناامید می‌شوند و این فرمانده از چشم‌ها می‌افتد اما پیامی که مردم از اسلحه شکسته سنوار و پرتاب تکه چوب به سمت کوادکوپتر دریافت کردند، مظلومیت، مبارزه تا آخرین نفس و به استقبال شهادت رفتن یک فرمانده قهرمان بود. این



## شکست پشت شکست

عزیزغضنفری

در بامداد روز شنبه رژیم صهیونیستی علیه چند مرکز محدود نظامی متعلق به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اقدام تجاوزکارانه مرتکب شد؛ اقدامی که به صراحت نقض آشکار حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد به شمار می‌آید. جمهوری اسلامی ایران و مقامات سیاسی و نظامی آن، بارها با ابتنای بر حق ذاتی دفاع مشروع، که در ماده ۵۱ منشور ملل متحد نیز انعکاس یافته، خود را موظف به دفاع مشروع و مقتدرانه در برابر هرگونه اقدام تجاوزکارانه می‌داند و برای اعمال آن هیچ تردیدی به خود راه نخواهد داد.

با این حال، بهترین تعبیر برای اقدام تجاوزکارانه و ناموفق رژیم صهیونیستی در نقض تمامیت ارضی ایران اسلامی تعبیر «شکست پشت شکست» است. در اقدام تجاوزکارانه و محدود رژیم صهیونیستی علیه تمامیت ارضی کشورمان، پدافند هوایی جمهوری اسلامی ایران قابلیت و توانمندی ممتاز و شایسته‌ای از خود نشان داد که موجب تحسین و تقدیر سایر بخش‌های نیروهای مسلح و خاصه ملت شریف ایران شد. قرارگاه پدافند هوایی کشور در بیانیه خود مدعی شد با وجود هشدارهای قبلی مسئولان جمهوری اسلامی به رژیم جنایتکار و غیرقانونی صهیونیستی مبنی بر پرهیز از هرگونه اقدام ماجراجویانه، این رژیم جعلی بامداد روز شنبه در اقدامی تنش‌زا، نقاطی از مراکز نظامی در استان‌های تهران، خوزستان و ایلام را مورد هجوم قرار داده که ضمن رهگیری و مقابله موفق به وسیله سامانه یکپارچه پدافند هوایی کشور با این اقدام تجاوزکارانه، آسیب‌های محدودی به برخی از نقاط وارد شده که ابعاد این حادثه در دست بررسی است.

جمهوری اسلامی ایران بر اساس توانمندی‌های مادی و معنوی و بر مبنای عزت ملی، همه امکانات و ظرفیت‌های خود را برای استقرار ثبات و امنیت منطقه‌ای به کار خواهد گرفت و در عین حال انتظار دارد کشورهای همسایه و منطقه و سایر کشورهای جهان از اقدامات جنگ‌طلبانه رژیم جعلی صهیونیستی - که ذات آن بر پایه شرارت و تروریسم بنیان نهاده شده - اعلام انزجار کرده و به مسؤلیت قانونی خود اهتمام جدی داشته باشند. از این منظر جمهوری اسلامی ایران محکومیت اقدام رژیم جعلی صهیونیستی از سوی کشورهای همسایه و منطقه و برخی دولت‌های جهان را مثبت و سازنده ارزیابی می‌کند.

اکنون در این زمینه هیچ‌گونه تردیدی باقی نمانده که نسل‌کشی و جنایات جنگی رژیم جعلی صهیونیستی در منطقه و خاصه فلسطین و لبنان، با پشتیبانی سیاسی و تسلیحاتی آمریکا و برخی کشورهای غربی صورت می‌گیرد. ناگفته پیداست که همین خط حمایت دولت‌های مدعی حقوق بشر، عامل اصلی افروخته‌شدن جنگ در منطقه و نیز تداوم تنش و ناامنی در منطقه غرب آسیا به شمار می‌آید. از این منظر برخی دولت‌های غربی نمی‌توانند با بیان این عبارت تکراری و دروغین که ما در عملیات رژیم صهیونیستی مشارکت نداشته‌ایم، از پاسخگویی به عملکردهای تنش‌زای خود شانه خالی کنند.

برخی دولت‌های غربی و خاصه آمریکایی‌ها که رژیم جعلی صهیونیستی نقش پاسبان آنان در منطقه را بر عهده گرفته است، پس از اقدام تجاوزکارانه رژیم غاصب صهیونیستی، از جمهوری اسلامی ایران خواسته‌اند که در برابر این اقدام خویشتن‌داری کند. برای نمونه، آمریکایی‌ها بدون اینکه اقدام رژیم صهیونیستی را محکوم کنند، از ایران خواسته‌اند که درصدد مقابله برنیاید. نخست‌وزیر انگلیس از ایران خواست به حمله اسرائیل پاسخ ندهد و خواستار خویشتن‌داری ایران شد. وزارت خارجه فرانسه نیز با امتناع از محکومیت اقدام رژیم صهیونیستی، طرف‌ها را به امتناع از هر اقدامی که به وخیم‌تر شدن تنش در منطقه منجر می‌شود، ترغیب کرد! این استانداردهای دوگانه هیچ‌گاه جمهوری اسلامی ایران را از بی‌گیری منافع و عزت ملی خود منصرف نمی‌کند و بهتر است در رویکردهای غیرسازنده و ثبات‌زای خود در منطقه غرب آسیا تجدیدنظر کنند. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی صیانت از تمامیت ارضی ایران اسلامی و پاسداری از عزت ملی مردم عزیز ایران اسلامی را وظیفه خود می‌دانند و با هر تهدیدی و بلکه با مبدأ هر تهدیدی بدون تعلل و شتابزدگی که منطقی و تدبیر اعلام شده از سوی فرماندهی معظم کل قواست، برخورد قاطع و متناسب خواهد کرد. اکنون وظیفه فوری و قطعی انسانی و اسلامی همه دولت‌ها آن است که با طراحی اقدامات مناسب و قاطع، رژیم جعلی صهیونیستی را از جنایات جنگی و نسل‌کشی در فلسطین و حملات وحشیانه به لبنان باز دارند.



تا نیندازند و درباره این حمله بزرگ‌نمایی کنند اما واکنش آنها بخوبی نشان می‌دهد چه اندازه سرخورده هستند. آنها که تصور می‌کردند با آغاز حمله رژیم صهیونی، جمهوری اسلامی سرتگون شود، اکنون مشاهده می‌کنند مردم یکپارچه در برابر دشمن متجاوز موضع‌گیری کرده‌اند. به صورت مشخص سلبریتی‌هایی که در یک سال اخیر سکوت کرده بودند، به نحو بی‌سابقه‌ای از وطن نوشتند و حمله به ایران را محکوم کردند. این چیزی نبود که براندازان انتظار داشتند. ناامیدی را باید در کلام تجزیه‌طلبی به نام علی جوانمردی دید که در شبکه ایکس نوشت: این حمله در حد اظهارات مقامات ارشد اسرائیل نبود و بیشتر موشک‌پراکنی نمادین بود. تجربه دیشب بار دیگر به ما می‌گوید تغییر حکومت در خیابان‌های ایران اتفاق می‌افتد و هیچ‌گونه منجی خارج از کشوری وجود ندارد.

این افراد همان کسانی بودند که دیدار رضا پهلوی با نتانیاهو را آغاز سقوط جمهوری اسلامی توصیف می‌کردند و پس از عملیات وعده صادق، هشتگ می‌زدند: «جمهوری اسلامی به پایان سلام کن!»

البته براندازان در شکل‌گیری خطای محاسباتی رژیم صهیونیستی هم مقصر هستند. آنها داده‌های نادرستی به رژیم منتقل کردند که در محاسبات و تصمیم‌گیری‌های صهیونیست‌ها مؤثر بود. تصویری که سلطنت‌طلبان و براندازان از ایران و ملت ایران ترسیم کرده بودند این بود که با آغاز حمله رژیم صهیونیستی، اقتصاد ایران دچار فروپاشی می‌شود و مردم به خیابان‌ها می‌ریزند و سرتگونی رخ می‌دهد. در حالی که این تصور از ملت ایران نادرست بود. اختلاف نظرها و ناراضیاتی به حق مردم ایران از وضعیت معیشت و اداره کشور، هرگز باعث نمی‌شود از حمله به وطن پشتیبانی کنند. به علاوه حمله رژیم به ایران، قیمت دلار و طلا را کاهش داد و بورس را هم سبزپوش کرد!

در جمع‌بندی باید گفت هرچه پیش‌تر می‌رویم، خطای محاسباتی رژیم صهیونی بیشتر می‌شود و لازم است از اشتباه‌های این رژیم برای ضربه به دشمن بهره ببریم. هر چند باید توجه داشته باشیم با دشمنی حيله‌گر مواجه هستیم. پس نه باید تعلل کرد و نه اینکه شتابزده عمل کرد، درباره اقدامات رژیم نه بزرگ‌نمایی کنیم و نه کوچک‌انگاری. در واکنش‌ها باید به نظرات کارشناسان توجه داشت و عالمانه و بادقت رفتار کرد. تاکنون ضربات ایران به دشمنان، با حمایت و همراهی مردم انجام شده است. راهبرد اتکا به مردم و جامعه در مبارزه با دشمن لازم است ادامه یابد.

خطای محاسباتی باعث شد یحیی سنوار در خاطره‌ها ماندگار شود و انگیزه‌ها برای مبارزه با اشغالگران افزایش یابد. ارتکاب چنین اشتباهی از صهیونیست‌ها که استازان رسانه هستند بسیار عجیب بود.

درباره حمله به ایران نیز خطای محاسباتی رژیم صهیونیستی بسیار بود. بعد از هفته‌ها خط و نشان کشیدن برای ایران و بالا بردن توقعات شهروندان صهیونیست با اعلام اینکه تأسیسات هسته‌ای، پالایشگاه‌ها و حتی مقامات تراز اول جمهوری اسلامی از جمله اهداف این حمله هستند، حمله‌ای نامتناسب را طراحی و اجرا کردند. چند ساعت پیش از انجام این عملیات، رژیم صهیونی اعلام کرد بزودی و پس از اجرا، جهان حیرت‌زده خواهد شد! این جملات باعث به اوج رسیدن هیجان‌ها شد و زمانی که «عملیات روزهای توبه» Operation Days of Repentance انجام گرفت، جهان واقعا شگفت‌زده شد، البته نه به دلیل خسارت‌ها و خرابی‌های مهیب آن، بلکه به دلیل نامتناسب بودن آن لاف‌های گزاف با حجم عملیات!

خطای بزرگ‌تر رژیم صهیونی در حمله به ایران این بود که این اقدام نه به قدر کافی سنگین و کوبنده بود که برای این رژیم بازدارندگی ایجاد کند و نه به آن اندازه کوچک بود که ایران آن را نادیده بگیرد.

حمله به ایران موجی از تمسخر را در بین کاربران فضای مجازی در دنیا به راه انداخت و یک تصویر تکراری در شبکه‌های اجتماعی، کنار هم گذاشتن تصاویر نورانی و خیره‌کننده موشک‌های ایران بر فراز تل‌آویو و تصاویر موشک‌های کهرمق صهیونی در آسمان ایران بود. همچنین پناه بردن بزدلانه نتانیاهو و سایر مقامات رژیم صهیونیستی به پناهگاه Kirya (واقع در پایگاه نظامی رابین در قلب تل‌آویو) دستمایه طنز کاربران ایرانی شد، بویژه که همزمان معادود شهروندان ایرانی که متوجه حمله موشکی رژیم صهیونی شده بودند، برای تماشای زد و خورد موشک‌ها و پدافند به پشت‌بام‌ها رفته بودند!

با مقایسه نحوه اجرا و اثرگذاری عملیات‌های «وعده صادق ۱ و ۲» با عملیات روزهای توبه رژیم صهیونیستی می‌توان گفت دستاورد حمله به ایران ناچیز بود. عملیات‌های «وعده صادق ۱ و ۲» حقیقتاً جهان را تکان داد. شور و شعفی که در ملت ایران و نیز مردم عراق، لبنان، اردن و فلسطین برانگیخته شد، فراموش نشدنی است. کلیپ‌هایی که آن زمان از شادی فلسطینی‌ها با بقایای موشک‌های ایرانی منتشر شد اثرگذاری این عملیات را نشان داد. تصویر موشک‌های ایرانی بر فراز بیت‌المقدس «وعده صادق ۱» و لحظه برخورد موشک‌ها به قلب تل‌آویو «وعده صادق ۲» باشکوه و تاریخی بود اما مشابه این کلیپ‌ها و تصاویر را در حمله رژیم به ایران نمی‌بینیم.

هیچ شوری در میان شهروندان صهیونیست برانگیخته نشد و «پایر لاپید» نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی، نتانیاهو را به دلیل «حمله پوشالی» به ایران سرزنش کرد. مهم‌ترین شرکای رژیم صهیونیستی در منطقه، امارات و عربستان هستند که هر دو حمله رژیم به ایران را محکوم کردند. این نیز بخشی از خطای محاسباتی صهیونیست‌ها بود.

موج ناامیدی از حمله ضعیف رژیم صهیونی، ضدانقلاب را هم در بر گرفت. هرچند کاربران برانداز سعی می‌کنند خود را از تک و

## درباره حمله اسرائیل و چند نکته!

صابر گل‌عنبری



اما درباره پیش‌بینی‌ها:

لحظاتی بعد از حملات موشکی دوم ایران طی یک یادداشت و سپس یادداشت‌های بعدی در این سه هفته ضمن برشمردن سناریوهای مختلف، پیش‌بینی‌هایی با قید «به احتمال زیاد» یا «غالباً» و غیره درباره ماهیت حمله اسرائیل مطرح شد که غالباً درست از آب درآمد. بر این اساس هم گفته شد که حملات به احتمال زیاد «محدود» و علیه اهداف نظامی خواهد بود و بعید است که اهداف هسته‌ای یا نفتی مورد حمله قرار گیرد.

هر چند اطلاع دقیقی وجود ندارد، اما حمله‌ای که بنا به نوشته سایت آمریکایی اکسیوس، اسرائیل به دلایلی قبل از آن به ایران اطلاع داده و حتی اهدافی را که مورد حمله قرار می‌دهد نیز بیان کرده است، نمی‌تواند گسترده و بزرگ باشد. اما هنوز نتایج این حمله محدود روشن نیست؛ این که ضربات در چه سطحی بوده است. در واقع همان دلایلی که اسرائیل را بر آن داشته است که قبل از حمله به ایران اطلاع دهد تا اوضاع از کنترل خارج نشود، می‌تواند موجب تحدید خود حمله هم شده باشد.

همچنین در پیش‌بینی‌ها تأکید شد که تله جنگی وجود ندارد، چون تصمیمی پیشینی برای جنگ در کار نیست و حملات اسرائیل نیز به این احتمال زیاد به جنگی ختم نمی‌شود و حداکثر اتفاق ممکن در این وضعیت حملاتی رفت و برگشتی است. همچنین تأکید شد که گرچه اسرائیل به دنبال کلاسیک کردن جنگ و وارد آوردن ضربات مؤثر و معنادار به ایران است، اما از وقوع جنگ بیم دارد و همین خود می‌تواند ترمز اسرائیل را بکشد.

اخیراً هم بیان شد که سفر بلینکن به منطقه برای «چک آخر» توافق آمریکا درباره زمان و اهداف حمله بوده است و این سفر در کنار بالا گرفتن دیپلماسی در روزهای اخیر در خصوص دو جنگ غزه و لبنان به عنوان نشانه‌های نزدیک بودن حمله اسرائیل تحلیل شد.

### اما واکنش ایران چه خواهد بود؟

ایران به احتمال زیاد سریعاً واکنشی نشان ندهد اما تهدید به پاسخ در زمان و مکان مناسب خواهد کرد. اگر هم بخواهد بعد از این حملات واکنش سریعی نشان دهد احتمالاً بسیار محدود باشد. چه بسا ایران به دلیل تمرکز حمله بر پایتخت و حومه، نوعی پاسخ به حمله اسرائیل را ضروری بداند، اما نباید از نظر دور داشت که حدود ده روز به انتخابات آمریکا باقی مانده است و احتمالاً این متغیر و تأثیر احتمالی بالا گرفتن تنش بر شانس پیروزی ترامپ هم در نظر گرفته شود. به نظر می‌رسد که ثقل حکومت ایران در تقابل با اسرائیل بیشتر از قبل بر جبهه لبنان متمرکز خواهد بود.

## درک ایرانی از سیاست به مثابه فن

## ضرورت فهم سیاست به عنوان امری بینارشته‌ای

مهدی فدایی مهربانی

مهدی فدایی مهربانی، نویسنده و پژوهشگر حوزه فلسفه در نشست «ما و فلسفه سیاسی» از سلسله نشست‌های وضعیت تفکر در ایران، ضمن اشاره به کتاب «چه باشد آنچه خوانندش سیاست؟» بیان کرد: ما به عنوان انسان‌های ایرانی سیاست را چه می‌فهمیم و چطور معنایش می‌کنیم. دغدغه من برای نوشتن کتاب «چه باشد آنچه خوانندش سیاست؟» شخصی بود. وقتی در رشته علوم سیاسی وارد می‌شوید یک سری ویژگی‌ها را در این رشته می‌بینید. اول اینکه این رشته ناگهان یک رشته ماهیتا بینارشته‌ای است. کسی که علوم سیاسی می‌خواند اگر از جغرافیای رشته اطلاعی نداشته باشد گیج می‌شود. هر آنچه که به علوم انسانی ربط دارد در علوم سیاسی نیز مورد نیاز است. وی ادامه داد: برایم سؤال بود که سیاست چه نسبتی با رشته‌های دیگر دارد. این رشته، تاریخی ندارد و به ۱۹۴۸ برمی‌گردد که یک کنفرانس در یونسکو برگزار می‌شود و تخصص‌های علوم انسانی و علوم سیاسی پایه‌گذاری می‌شود. در دنیای قدیم ما با درک یک‌پارچه‌ای از دانش مواجهیم و سیاست نیز بخشی از آن است. اولین چیزی که باید درباره رشته علوم سیاسی بدانیم که رشته‌ای جدید نیز هست، این است که سیاست تاریخ بلندی ندارد و سیاست‌اندیشی به یونان و ایران باستان برمی‌گردد.

فدایی بیان کرد: پرسشی که منجر شد تا کتاب «چه باشد آنچه خوانندش سیاست؟» را بنویسم این بود که اساسا سیاست چیست؟ ما به چه چیزی سیاست می‌گوییم از همین رو نیز عنوان کتاب نیز چنین شد. انتخاب این عنوان از سر تقلید نبود و من به دنبال همین بودم. بچه‌های علوم انسانی که وارد این رشته می‌شوند یک دیکشنری جلویشان گذاشته می‌شود که برای هر مفهومی، معادلی قرار داد. معادل سیاست، برای خیلی‌ها، قدرت است. در صورتی که وقتی به قدرت نگاه می‌کنیم می‌فهمیم که این نیز بخشی جدید است. قداما سیاست را طور دیگری می‌دیدند.

وی افزود: نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که سیاست قدیم نیز مرتبط با یونان بوده است. بنابراین اگر در کتاب دقت کنید، این کتاب در مقایسه با کتاب‌هایی که به عنوان مبانی



سیاست شناخته می‌شود، از نظر ادبیات قدری متفاوت و غریب است. به این دلیل که غالب کتبی که سیاست را توضیح می‌دهند با فرض قدرت بودن سیاست، مفاهیم را شرح می‌دهند. اما این کتاب، مسئله را با پرسش‌های چرایی و چیستی و چگونگی سیاست آغاز می‌کند.

این محقق گفت: نکته دیگر اینکه من سیاست را از یونان شروع نکردم و معتقدم علاوه بر برداشت یونانی، یک برداشت ایرانی نیز از سیاست وجود دارد. هر کدام از این موضوعات، نمایندگانی نیز دارند. در بخش ایرانی سیاست، سیاست‌اندیشی در ایران قدیم به دو معنا وجود داشته یکی معنایی که می‌توانیم با تسامح، درک متفاوتی یکی از سیاست بنامیم که ما با یک جور فرهنگندی هستی‌شناختی در سیاست مواجه هستیم.

وی اضافه کرد: وقتی از فرهنگندی یاد می‌کنیم یکی از بنیادهای درک ایرانی از سیاست، همین فرهنگندی است. احساس من درباره این فرهنگندی این است که شاید به یک طریقی در ضمیر ناخودآگاه ایرانی رسوخ کرده است. انگار ما یک ناخودآگاه جمعی داریم که درک مدنی و جمعی ما از سیاست در طی صدها و هزاران سال تداوم پیدا کرده؛ که

فرهمنندی یکی از عناصر آن درک است.

فدایی ادامه داد: در مواجهه یونگی با ساحت ناخودآگاه جمعی، به یک سری کهن‌الگوها برمی‌خوریم. مهم‌ترین کهن‌الگو یا آرکتیپ جمعی ایرانی، عدالت است و این در نسل‌های مختلف در ناخودآگاه جمعی، ذخیره شده است. برداشت من این است که جامعه ایرانی هرچه درگیر بحث‌های روشنفکری نیز باشد باز نمی‌تواند سیاست را به معنای قدرت‌محورش درک کند. سیاست عرصه‌ای است که عدالت به آن موضوعیت دارد. فکر می‌کنم حضور این عناصر در ناخودآگاه جمعی است که امروزه مسئله عدالت، طبق همان معنایی که به آن می‌پردازیم وجود دارد و به خود شکل می‌دهد.

وی گفت: آنچه به عنوان درک یونانی از سیاست وجود دارد نتیجه تداوم اندیشه افلاطونی است. آن هم در بخشی که به عنوان متافیزیک می‌شناسیم. من افلاطون را نزدیک به سمت ایرانی در نظر گرفتم. در همین شاخه سیاست‌اندیشی ایرانی، درکی هست که سیاست را به مثابه فن نشان می‌دهد؛ همان تخته یا بنیاد تکنیک. در دوره جدید، این درک در حال بازتولید است.

## شاعری اهل تفکر با پشتوانه فلسفی

سیده شبنم لاجوردی زاده - سعید قنبری



■ قیصر امین پور شاعری اهل تفکر بود و شعرش پشتوانه فلسفی داشت

دکتر سیده شبنم لاجوردی زاده، شاعر و عضو هیات علمی دانشگاه با حضور در برنامه «گفتگوی فرهنگی» در مورد زندگی و آثار قیصر امین پور بیان داشت: دکتر امین پور نویسنده، شاعر و ادیب بسیار تأثیر گذار دوران انقلاب و منتخب هفتمین دوره چهره‌های ماندگار در سال ۸۷ و شاعر برجسته اولین دوره جشنواره شعر بین‌المللی فجر در بخش آیینی بود.

وی افزود: دکتر قیصر امین پور علاوه بر احساس پاک و سرشار و عمیق، ادراک ژرف نسبت به محیط اطراف داشت و انسان شریفی بود.

لاجوردی زاده با بیان اینکه امین پور با توجه به اینکه زبان روز داشت و عامیانه سخن می‌گفت ولی درک صحیح تری از شعر کهن و ادراک قوی‌تری از حافظ و درون حافظانه‌ای داشت گفت: یک نهم پنهان مانند نهم نیکویی که در شعر حافظ و بیدل دیده می‌شد در شعر قیصر امین پور وجود دارد که وجه تمایز وی با دیگر شاعران است.

این شاعر و عضو هیات علمی دانشگاه تصریح کرد: قیصر امین پور سعی می‌کرد شاعر متفکر زمانه خود باشد و به عنوان یک شاعر دوست داشت شعرش جلو تر از شخصیت وی باشد.

وی اظهار داشت: یک انزوای فردی و انزوای عرفانی حاصل از شناخت معرفت یک حقیقت ناب در شعر قیصر امین پور می‌بینیم که حاصل از شناخت شعر سعدی و حافظ بود.

لاجوردی زاده در ادامه با اشاره به ماجرای اخراج قیصر امین پور از حوزه هنری و سپس سروش نوجوان و چالش‌هایی که در دفتر شعر جوان و انجمن شاعران ایجاد شد بیان داشت: اگر هنرمندی مانند قیصر امین پور از امکان هنری اخراج کنیم در واقع ما ضرر کرده ایم چرا که آنها نیازی به این اتصال ندارند.

وی با اشاره به نظریه مرگ مولف که یک نمونه از نگاه و نظریه پست مدرن است بیان داشت: مرگ مولف یعنی اینکه به جای اینکه برای فهمیدن شعر و متن به سراغ زندگی مولف برویم، اجازه بدهیم خواننده و مخاطب از درون متن و شعر وقایع روزگار و مرتبه شاعر برایش مشخص شود.

■ قیصر امین پور با اشعار تأثیر گذار و زبان حماسی به رزمندگان دفاع مقدس روحیه می‌داد

سعید قنبری فشی، عضو هیئت علمی دانشگاه، شاعر و منتقد ادبی نیز در این برنامه با بیان اینکه حضور قیصر امین پور در جمع گروه ممتازی از شاعران کشور که افکار آنها با امام خمینی (ره) پیوند خورده بود باعث شد یک جریان جدی در ادبیات معاصر کشور به وجود بیاید و شاعران شهرستانی برنامه خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کردند که در جلسه شعر خوانی شاعران در روزهای پنجشنبه حضور پیدا کنند.

وی افزود: در همین زمان قیصر امین پور مسئولیت شعر هفته نامه سروش را بر عهده داشتند و در سال ۱۳۶۳ اولین مجموعه شعر خود را با نام «در کوچه آفتاب» متشکل از رباعیات و دوبیتی‌ها منتشر کرد.

قنبری فشی با اشاره به اینکه در کشور ما در دوران دفاع مقدس شاعران زیادی تحت تأثیر مقوله جنگ قرار گرفتند و ذهن شاعران درگیر دفاع مقدس شد اظهار داشت: قیصر امین پور از بزرگترین شاعران و گویندگان است که موضوع دفاع مقدس در بسیاری از آثار او دیده می‌شود و در کنار بزرگوارانی چون استاد گرماردی و استاد معلم از پیشروان شهر دفاع مقدس بود و با اشعار تأثیر گذار و زبان حماسی به رزمندگان دفاع مقدس روحیه می‌داد.

این شعر و منتقد ادبی ادامه داد: توصیف صحنه هائی شکوهمند شهادت، بیان جنایت‌های دشمن، ترسیم چهره مردم جنگ دیده، بیان ایستادگی و بیداری و امید به موفقیت و پیروزی از مواردی بود که در شعر قیصر امین پور دیده می‌شد.

قنبری تصریح کرد: قیصر امین پور در شعر و متن ساده و بی‌آلایش بود و شاعری بود که همه نسل‌ها با هر دیدگاهی با اشعار او انس می‌گرفتند و به دلیل اینکه در اشعارش از عبارات عامیانه استفاده می‌کرد مخاطبان با اشعار وی ساده ارتباطی می‌گرفتند که همین ارتباط صمیمی باعث شد اشعار قیصر امین پور مانند اشعار سعدی به ضرب المثل تبدیل می‌شد؛ مانند «گاهی چقدر زود دیر می‌شود»، «حق با سکوت بود آرزوهای شاعری» و...

وی گفت: یکی دیگر از دلایل رواج اشعار قیصر امین پور در میان مردم، تبدیل اشعار وی به ترانه‌ها و اشعار وی در آلبوم نیلوفرانه استاد افتخاری از پر فروش‌ترین آلبوم‌های موسیقی سنتی تاریخ ایران بود.



## اهمیت علوم انسانی و ضرورت تقویت آن برای مرجعیت علمی

محمد رضا مخبر دزفولی

دکتر محمد رضا مخبر دزفولی در دهمین نشست مرجعیت علمی در فرهنگستان علوم اظهار کرد: علوم انسانی اهمیت زیادی دارد، اما باید توجه بیشتری به این حوزه داشته باشیم. ما به اهمیت علوم انسانی در آینده علمی کشور واقف هستیم و می‌دانیم که باید این حوزه را تقویت کنیم تا در عرصه علمی و مرجعیت کشور تأثیر گذار باشد.

وی ادامه داد: علوم انسانی و رشته‌های مختلف باید طوری آموزش داده شوند که احساس مثبت و سازنده‌ای در دانشجویان ایجاد شود. اگر لازم است تغییراتی صورت گیرد، این وظیفه همکاران و اساتید علوم انسانی است که دانشجویان را به تفکر وادارند و روش‌های مناسب آموزشی را به کار بگیرند. اگر در این زمینه کمبود داریم، بهتر است خودمان دست به تولید محتوا بزنیم.

رئیس فرهنگستان علوم با بیان اینکه نباید علوم انسانی به‌عنوان شبه‌علم در نظر گرفته شود، عنوان کرد: تاریخ تمدن ایران و اسلام باید با مستندات بین‌المللی همراه باشد تا بتوانیم به جایگاه علمی در سطح جهانی برسیم. همچنین، ما باید شاخص‌های نهایی برای رسیدن به مرجعیت در علوم انسانی را دقیق‌تر تعریف کنیم و بر روی آن‌ها توافق داشته باشیم.

دکتر مخبر دزفولی گفت: برخی معتقدند حوزه علوم انسانی نظریات بومی و قوی که قابل رقابت جهانی باشد، طراحی نشده است. ما باید نظریات بومی را تقویت کنیم تا در عرصه بین‌المللی رقابت‌پذیر باشیم.

وی ادامه داد: تنها با آموزش نمی‌توان اخلاق را به‌درستی ترویج کرد. آموزش شرط لازم است، اما کافی نیست و باید به سلوک و اخلاق عملی نیز توجه کرد.

رئیس فرهنگستان با بیان اینکه در حوزه پزشکی، توجه به اخلاق حرفه‌ای بسیار مهم است، بیان کرد: متأسفانه امروزه شاهد مشکلاتی در این حوزه هستیم که مردم با مراجعه به مراکز درمانی با چالش‌های زیادی روبه‌رو می‌شوند. این موضوع نیاز به آسیب‌شناسی دارد تا بتوانیم در رشته‌های مختلف، از جمله مهندسی و پزشکی، آموزش و اخلاق حرفه‌ای را به‌طور هم‌زمان ارتقا دهیم.

دکتر مخبر دزفولی با اشاره به توزیع دانشجویان در رشته‌های مختلف بیان کرد: اگر بهترین مغزهای ما به رشته‌هایی مثل دندانپزشکی و پزشکی جذب شوند، در حالی که به تخصص‌های مهندسی و علوم پایه نیاز داریم، ساختار کشور دچار نقص خواهد شد. ضریب هوشی بالا باید در مسیری به‌کار گرفته شود که به ساختن یک کشور پیشرفته کمک کند. باید در این زمینه بازنگری‌های لازم انجام شود. این موضوع یک هارمونی، انسجام و نظم خاصی را طلب می‌کند. در غیر این صورت، ناهنجاری‌ها و اشکالاتی در ساختار کشور ایجاد خواهد شد.

وی پیشنهاد کرد که متخصصان رشته‌های علمی مختلف با یکدیگر هم‌فکری کنند تا مرجعیت علمی تحقق یابد. اگر به بخشی از علوم توجه کنیم و بخش دیگر را نادیده بگیریم، این باعث تضعیف کل ساختار خواهد شد و ما را به هدف نمی‌رساند.



## جنگ زباله‌ها

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا و نامزد کنونی جمهوری خواهان در انتخابات پیشروی ریاست جمهوری آمریکا در اقدامی نادر، با پوشیدن لباس رفتگران، کنفرانس مطبوعاتی خود در ایالت ویسکانسین را سوار بر کامیون حمل زباله برگزار کرد. این اقدام پس از آن انجام شد که «جو بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا، حامیان ترامپ را «اشغال» خواند.

ترامپ در این کنفرانس خبری اعلام کرد: حامیان من اشغال نیستند. من می‌توانم به شما بگویم که اشغال‌های واقعی چه کسانی هستند، اما نمی‌گویم. این سخنان بایدن یک لکه ننگ واقعی است.

نامزد جمهوری خواهان ادامه داد نظرتان در مورد کامیون حمل زباله من چیست؟ این کامیون برای گرامیداشت کاملاً هریس و جو بایدن است.

رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در حالی که بوق کامیون را به صدا در می‌آورد افزود: امیدوارم از این کامیون زباله لذت برده باشید.

گفتنی است کمی پیش‌تر جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در حمایت از کاملاً هریس، معاون وی و نامزد دموکرات‌ها در انتخابات پنجم نوامبر، حمله به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق و نامزد جمهوری خواهان را به حامیان وی نیز تعمیم داد!

بایدن در یک تماس تصویری که گروه حامیان هیسپانیک‌ها (اسپانیایی‌زبان‌های ساکن آمریکا) موسوم به «ووتو لاتینو» تدارک دیده بود، این اظهارات را مطرح کرد. در ابتدای این تماس، تونی هینچ‌کلیف، کم‌دین آمریکایی برنامه را با لطفی‌های شروع و پورتو ریکو را به یک «جزیره اشغال شناور وسط اقیانوس» تشبیه کرد!

بایدن در واکنش به این موضوع گفت که «چند روز پیش یکی از سخنران‌ها در گردهمایی ترامپ، پورتو ریکو را یک جزیره اشغال شناور خواند» و در ادامه نیز اضافه کرد که مردم پورتو ریکو «خوب، آبرومند و محترم» هستند. وی افزود: تنها اشغالی که دیدم، حامیان او (ترامپ) هستند. شیطان‌سازی او از مردم آمریکای لاتین بی‌وجدانی و از آمریکایی‌ها بعید است. این کار با تمام آنچه ما انجام داده‌ایم و هویت ما تناقض دارد.

با این حال، رئیس‌جمهور آمریکا اندکی بعد در شبکه اجتماعی «ایکس» در توضیح و شاید توجیه اظهاراتش گفت که «طرف صحیح ادبیات نفرت‌پرانی حامی ترامپ علیه پورتو ریکو در گردهمایی او در «مدیسیون اسکور گاردن» بود و او را اشغال خطاب کردم. همه حرفم همین بود. اظهاراتی که در آن گردهمایی مطرح شد، ما را به عنوان یک ملت توصیف نکرده و نماینده ما نیست.»

سعدالله زارعی

«یحیی سنوار» پس از عملیات شگفت‌انگیز «طوفان الاقصی»، توانایی خود در جنگ با رژیم فایق آمدن بر آن را نشان داد و از این‌رو او را «کابوس اسرائیل» هم لقب داده‌اند. انتقال حماس از شیخ احمد یاسین به عبدالعزیز الرنتیسی و از او به مشعل، هنیه و سنوار، همواره یک «انتقال ضروری» بوده است و روند متوقف نشده حماس از شیخ احمد یاسین تا یحیی سنوار و نیز افکار تغییرنیافته حماس در طول نزدیک به چهار دهه، علی‌رغم تغییر در رهبری آن نشان می‌دهد نقشه راه حماس، جبهه‌های و متکی به تأمین هدف سازمان است، نه خانوادگی و متکی به اشخاص. حماس در بزنگاه‌های «انتقال ضروری»، مورد انواعی از گمانه‌زنی‌ها قرار گرفته و یکی از مهم‌ترین این گمانه‌زنی‌ها «تغییر مسیری» حماس به دلیل مواجه شدن با فقدان دبیرکل بوده است. در این مواقع از آنجا که دشمن دوست دارد حماس را این‌گونه ببیند، این‌گونه هم به تصویر درمی‌آورد.

این همان کاری است که با جمهوری اسلامی ایران هم انجام داده و می‌دهند. در یک دوره‌ای تبلیغ می‌شد که حیات جمهوری اسلامی وابسته به حیات حضرت امام است و پس از امام به سرعت به سمت فروپاشی محتوایی و در نهایت به طرف فروپاشی فیزیکی می‌رود. همین خط غلط درباره دولت‌های ایران هم مطرح شده است. حتماً شما این عبارت را شنیده‌اید که «فلانی آخرین تیر ترکش جمهوری اسلامی است و اگر اصابت نکند، جمهوری اسلامی فرو می‌پاشد.»

شاید اولین بار این حرف را در سال ۱۳۶۸ و پس از انتخابات ریاست‌جمهوری پنجم شنیده‌ایم. در آن زمان یکی از افراد موجه در جلسه‌ای گفت «آقای هاشمی آخرین تیر ترکش جمهوری اسلامی است و اگر او نتواند سروسامانی به وضعیت کشور بدهد، هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند و لذا تداوم نظام وابسته به موفقیت آقای هاشمی در سیاست‌های خود می‌باشد!» ما اخیراً انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم را هم پشت سر گذاشتیم و جالب این است که امروز هم همان‌ها که ۳۵ سال پیش مرحوم هاشمی رفسنجانی را آخرین تیر ترکش می‌خواندند اینک دکتر پزشکیان را آخرین تیر ترکش می‌خوانند! چرا این‌گونه تحلیل می‌شود و به چه علت این سطح از خطا در تحلیل پیش می‌آید؟ پاسخ این است خط‌دهی مرموزانه دشمنان. اولاً دشمن این‌طور دوست دارد و همین تمنای خود را به عنوان تحلیل شرایط مطرح می‌کند. ثانیاً دشمن بر اساس شاکله خود که یک «نظام کلاسیک» می‌باشد به تجزیه و تحلیل وضعیت جمهوری اسلامی دست می‌زند و از درک شاکله، منطق و تفاوت‌های یک «نظام دینی و انقلابی» با غیر آن عاجز است. قرآن کریم در آیه ۵۴ سوره مبارکه زخرف اشاره می‌کند که فرعون درباره جامعه ایمانی همان گمانی دارد که درباره جامعه شرک‌آلود دارد! نتیجه چه می‌شود؟ خطای در محاسبه، خطای در عمل و سپس شکست. قرآن کریم می‌فرماید علت پیروزی فرعون در مصر بر نیروهای اجتماعی دور و بر خود این بود که مردم زمانه‌اش - عمدتاً - فاسد بودند و این فساد آنان را به اطاعت وامی‌داشت. بعد فرعون می‌آمد همین فرعون را درباره جامعه ایمانی هم به کار می‌بست و شکست می‌خورد.

یک روز سحره‌ای که قلباً به موسی بن عمران ایمان آورده بودند، را به شدت تهدید کرد و گفت با چه اجازهای دم از ایمان به خدای موسی می‌زنید؟ من دست و پای شما را به گونه‌ای که معکوس هم باشد، قطع می‌کنم و تن شما را به صلیب می‌کشم. آنان خندیدند و گفتند در این صورت ما را به هدف خود که لقاء ربمان است رسانده‌ای. خب این دو منطق و دو شرح حال و دو نتیجه است.

## مدیریت غزه پس از یحیی سنوار

کاری که اسرائیل، در باریکه غزه انجام داد در نهایت این بود که عنصر «خون‌خواهی» را به عناصر مقاومتی در غزه اضافه کرد. یعنی از این پس نیروهای جهادی فلسطین مطالبه تازه‌ای از رژیم پیدا کرده و برای استیفای آن وارد صحنه می‌شوند. یک اتفاق مهم که در این سال‌ها افتاده و خلأ فرماندهانی مثل سنوار و هنیه و عاروری پر می‌کند، «اتحاد میدان‌ها» و در نتیجه اتصال فرماندهی خارج و داخل است. بنابراین اسرائیل حداکثر کاری که می‌کند حذف افراد و فروریختن دیوارهاست اما نمی‌تواند رشته‌ای که عمان و مدیترانه را به هم وصل کرده را از هم بگسلد.

رژیم غاصب با به شهادت رساندن سنوار، در واقع کینه‌های کرانه باختری را آبیاری کرد و این به آن معناست که شهادت هنیه، عاروری و سنوار ممکن است به «حماس اداری» آسیب زده باشد ولی «حماس جهادی» را برافروخته‌تر و پرهیبت‌تر نموده است. این موضوع مهمی است و لذا بسیاری از تحلیلگران غربی گفته‌اند ترور سنوار، جنبش حماس را فعال‌تر و صف داخلی آن را منسجم‌تر می‌نماید.

رژیم صهیونی که به دلیل ناکام ماندن در اهدافی که در آغاز جنگ ترسیم کرد، نیاز به دستاوردسازی دارد، با اشاره به تصاویر جمعی از مقامات و فرماندهان حماس و حزب‌الله، وانمود می‌کند به تحقق اهداف جنگ نزدیک شده است اما واقعیتی که بعضی از مقامات رژیم غاصب هم به آن اشاره کرده‌اند، این است که شهید نصرالله و شهید سنوار آغاز یک راه نبودند تا شهادت‌شان پایان راه را رقم بزنند. شهدای عظیم‌الشانی که در برهه اخیر - از سیدرضی در دمشق تا سنوار در غزه - به شهادت رسیدند، همه «ادامه‌دهنده» بودند، نه آغازکننده و لذا پس از شهادت‌شان وقفه و سکونی در کار نیست. بعضی‌ها بازی کلمات راه انداخته‌اند و از افقی سخن می‌گویند که گویا مقاومت با از دست دادن بعضی رهبران و جمعی از فرماندهان، تغییر مسیر می‌دهد و یا از قدرت و سرعت آن کاسته می‌شود. این در حالی است که حتی اگر چنین تجویزی به‌طور موقت مجاز باشد که به هیچ وجه نیست، در زمانه‌ای که جبهه و جریانات مقاومت با افزایش سطح عملیاتی دشمن مواجه می‌باشند، حفظ قدرت و شدت حرکت مقاومت ضرورتی بیش از پیش دارد، حتی افزایش آن نیز لازم است.

بنابراین دشمن گمان نکند با شهادت رهبران، بدنه سازمان‌های انقلابی در درک وضعیت و موقعیت، گرفتار حیرت یا خطا می‌شود. آیا امکان جایگزینی سنوار وجود دارد و آیا اصلاً جایگزینی برای آن هست؟ این سؤال مکرر این روزهاست. باید دید یحیی سنوار چگونه مسیر یک عضو عادی تا مقام اول حماس - که به عبارت بعضی رسانه‌ها «کابوس صهیونیست‌ها» شده - را طی کرده است. یحیی سنوار متولد ۱۳۴۱ در «اردوگاه آوارگان خان بونس» است. در زمان پیروزی انقلاب اسلامی ۱۶ سال داشته، در زمان انتفاضه اول فلسطین در سال ۱۳۶۶ - که متأثر از انقلاب اسلامی بود - ۲۵ ساله بود. در زمان تأسیس حماس او ۲۶ سال داشت و زمانی که از سوی رئیس دفتر سیاسی مسئولیت اداره غزه را برعهده گرفت، ۵۰ ساله بود. او شاگرد شیفته شیخ احمد یاسین بود. ۲۳ سال از عمر خود



را در زندان‌های مخوف رژیم اسرائیل سپری کرده و در یک دوره ۱۲ ساله مسئولیت اداره غزه را برعهده داشته و با شهادت اسماعیل هنیه، به ریاست دفتر سیاسی و در واقع رهبری حماس رسیده است. مطالعه این مسیر به ما می‌گوید هر چند شهادت او برای جنبش انقلابی حماس خسارت زیادی محسوب می‌شود اما دست‌کم ۱۰ - ۱۲ نفر با این خصوصیات یا نزدیک به این خصوصیات در «حماس فعلی» وجود دارد. علاوه بر آن حماس فرصت دارد از نیروهای دیگر نیز «سنوارهای آینده» بسازد. پس حماس در وضعیت بن‌بست قرار ندارد.

نکته دیگر این است که جنبش انقلابی حماس، اینک سخت‌ترین و سنگین‌ترین دوره خود را تجربه کرده است. دوره بیش از یکساله پس از عملیات طوفان الاقصی، سخت‌ترین دوره حماس در این ۳۶ سال است. چرا که هیچ‌گاه به این اندازه در معرض محاصره، فشار، بمباران و انواع حوادث نبوده است. وضع امروز مقاومت از حیث توان تنظیم اداره مردم و اداره مقاومت در «شرایط بسیار سخت» و مدیریت غذا و موشک آسان‌تر از یک‌سال گذشته است. وقتی یک رهبری شرایط سخت و پرخطر را طی می‌کند، شاگردان او در اداره وضعیتی به مراتب آسان‌تر در نمی‌مانند. اداره یکساله حماس در «زیرزمین» و مدیریت جنگ با رژیم در «روی زمین» و همزمان، خلق فرصت‌هایی در جهت گسترش توانمندی‌های دفاعی با دشواری انجام شده است. دستاوردهای معنوی و مدیریتی که از این سختی‌ها به دست آمده، امروز به سرمایه رهبری جدید حماس تبدیل شده است.

ما در ایران اثر بزرگ شهادت شهیدان در ادامه پر قدرت راه را با همین چشم مادی دیده‌ایم. فاصله انتخابات ریاست‌جمهوری تا شهادت شهید رجایی ۳۳ روز است! فاصله شهادت شهید بهشتی، «رئیس قوه قضائیه» تا شهادت رجایی و باهنر، «رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر» تنها دو ماه است! در جنگ ۸ ساله هم فاصله زمانی بر خاک افتادن و در خون غلتیدن فرماندهان نامدار، گاهی یک روز بود! خداوند بر عظمت حاج قاسم بیفزاید که می‌گفت «در یک عملیات، تقریباً همه فرماندهان گردان‌ها و گروهان‌های لشکر ۴۱ ثارالله شهید شدند اما به توانمندی عملیاتی و اقتدار و اداره آن آسیبی وارد نشد.» این تجربه ما از تأثیر خون شهید در دوام و قوام کارهاست. سیر آن هم این است که وقتی یک نفر در جبهه حق به شهادت می‌رسد، خداوند خود جای او را پر می‌کند و جبهه‌های که در آن حضور عملیاتی خداوند متعال باشد، دچار پژمردگی یا عقب‌گرد نمی‌شود. پس از شهادت‌ها حاکم شدن عنصر معنوی بر عنصر مادی در واقع اثر میدانی برتری تسلیحاتی جبهه باطل بر جبهه حق را از آن می‌گیرد و این راه را برای حرکت شتابان‌تر جبهه حق هموار می‌نماید.

## جنگ دیوانه و حکیم

امروز با جدیدترین و به‌روزترین پهپاد و موشک دوش پرتاب هدایت‌شونده می‌جنگند، مایه مباهات است.

آنچه مرور شد، برای آن بود که بدانیم مقاومت از دل هزاران مشکل و مصائب بیرون آمده است تا امروز به بلوغ خودش برسد؛ بلوغی که در زمان نبود هنیه، سنوار، نصرالله، صفی‌الدین و ... می‌تواند روی پای خود بایستد و دشمن را به نابودی هدایت کند. همین امر است که رهبر معظم و حکیم انقلاب در کوران حوادث و در زمانی که دوست و دشمن از شهادت فرد بزرگی، مانند شهید نصرالله در بهت و حیرتند، پیام می‌دهند و می‌فرمایند: «سرنوشت این منطقه را نیروهای مقاومت و در رأس آنان حزب‌الله سرفراز رقم خواهد زد.»

نبرد امروز نبرد دیوانه و حکیم است. دیوانه‌ای که خیال می‌کند با ریختن بمب‌های سنگر شکن، مقاومت از بین خواهد رفت؛ در حالی که درخت مقاومت ریشه‌های عمیق پیدا کرده است. در آن سوی نبرد، حکیمی قرار گرفته که با درایت و حکمت طراحی می‌کند. حکیمی



که در پاسخ به دشمن نه تعلل می‌کند، نه شتاب‌زده عمل می‌کند، نه کوچک می‌انگارد که غره شود و نه بزرگ‌نمایی می‌کند که مایوس شود. حکیمی که به صلابت و طراحی سربازانش اعتماد دارد، سربازانی که نظم نوین منطقه‌ای را بیش از ۴۰ سال است که در انداخته‌اند.

## شهید یحیی السنوار، ویرانگر معادلات دشمن صهیونیستی

بی‌تردید موفقیت عملیات «طوفان الاقصی» نشان داد دعوت مردم به ایمان و خرد جمعی در مقاومت فلسطین نتیجه داده است. مقاومت اسلامی فلسطین توانست با برگرداندن معادلات نظامی منطقه و گنجاندن گزینه خود روی میز، اهداف نیروهای استکباری را که با ترور شهید هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس دنبال می‌کردند، خنثی کند و یک تنه به کابوسی برای دشمن صهیونیستی تبدیل شده بود. السنوار کابوس واقعی خواب بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم حرام زاده صهیونیستی بود که با شنیدن نام و طراحی عملیات‌هایش در فلسطین اشغالی به خود میلرزید.

## گزینه‌های ایران برای عملیات وعده صادق ۳



تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی به ایران و ادامه حملات به غزه و لبنان نیازمند یک پاسخ قدرتمند و جامع از سوی ایران است که می‌تواند در زمینه‌های نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تعریف شود. رهبر انقلاب اسلامی بر لزوم شناسایی خطاهای محاسباتی اسرائیل تأکید کرده و بیان کردند که اقدامات ایران باید منجر به تضعیف این رژیم شود. گزینه‌های مختلف برای این واکنش شامل پاسخ نظامی، دیپلماسی فعال، عملیات فرهنگی و تقویت اقتصادی است که می‌تواند به تعیین سرنوشت آینده منازعات در منطقه کمک کند.

تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی به ایران و ادامه حملات به غزه و لبنان نیازمند پاسخی مقتدرانه در کوتاه مدت و البته در میان مدت است. گزینه‌های ایران برای پاسخ به تجاوزگری اسرائیل تحت عنوان عملیات وعده صادق ۳ می‌تواند متفاوت با قبل و در چند بعد نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تعریف شود. این عملیات ترکیبی، در بازه‌های زمانی متفاوت و در جبهه‌های مختلف، همگرا خواهد شد و ضربه نهایی به رژیم صهیونیستی و نابودی کامل آن را نوید می‌بخشد.

### گزینه‌های ایران برای عملیات وعده صادق ۳

رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در واکنش به تجاوزگری اخیر اسرائیل به خاک مقدس کشور بیان داشتند: «بایستی خطای محاسباتی رژیم صهیونیستی به هم بخورد؛ ... کیفیت کار را مسئولین ما باید تشخیص بدهند و درست بفهمند و آنچه صلاح این کشور و این ملت است، آن را انجام بدهند.» بنابراین پاسخ به رژیم صهیونیستی قطعی است و باید انجام بگیرد. اما گزینه‌های ایران برای مقابله با این رژیم اگر تحت عنوان کلی «عملیات وعده صادق ۳» تعریف شود، می‌تواند در ابعاد زیر و در بازه‌های زمانی مختلف انجام با آغاز شود:

گزینه نظامی: محتمل‌ترین و مورد انتظارترین گزینه، حداقل در کوتاه‌مدت، پاسخ نظامی به جنایات رژیم صهیونیستی خواهد بود. این واکنش مسلماً باید متفاوت و غافلگیرانه باشد؛ زیرا اسرائیل نسبت به گذشته با تجربه‌تر عمل خواهد کرد و ضمن برخورداری از حمایت آمریکا و غرب و حمایت‌های اطلاعاتی و جاسوسی، پیش‌بینی دقیق‌تری خواهد داشت. اما این که کیفیت عملیات و طراحی آن در تخصص مسئولان نظامی و امنیتی کشور است. گزینه سیاسی: رژیم صهیونیستی در ضعیف‌ترین موقعیت خود از حیث اعتبار سیاسی و بین‌المللی است. جنایات این رژیم بسیاری از مردم جهان را نسبت به ارتباط با آن‌ها متنفر کرده است، لذا شرایط به نحوی است که جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای آزاده فرصت مناسبی دارند که با دیپلماسی فعال، جامعه جهانی را علیه رژیم صهیونیستی بسیج کنند. اقدام سیاسی و دیپلماسی، مقدمه و هموارکننده مسیر عملیات‌های نظامی و اقتصادی علیه رژیم صهیونیستی خواهد بود و بخش لازم و همزمان عملیات بزرگ وعده صادق ۳ است. گزینه فرهنگی - رسانه‌ای: یکی از گزینه‌هایی که در داخل ایران

در سوی مقابل، هزینه‌های نظامی دشمن بسیار بالاست؛ به طوری که برآوردهای اولیه از هزینه آمریکا و اسرائیل برای رهگیری موشک‌های ایران در عملیات وعده صادق ۲، بالغ بر ۱.۷ میلیارد دلار است در حالی که کل رقم هزینه ایران در بیشترین برآورد به ۴۰ میلیون دلار می‌رسد.

### قطع شریان‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی

در بخش گزینه‌های اقتصادی برای عملیات وعده صادق ۳ «قطع شریان‌های اقتصادی» رژیم صهیونیستی به عنوان یک اقدام سلبی مطرح است. این اقدام می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد. اختلال در مسیرها و محورهای صادراتی و وارداتی اسرائیل، اختلال در زنجیره تامین کالاها و خدمات وارداتی و صادراتی اسرائیل، ضربه به زیرساخت‌های اقتصادی اسرائیل، اختلال در دریافت حامل‌های انرژی اسرائیل و ... به عنوان ابعاد مختلف مطرح است.

### تقویت اقتصاد داخل و اقتصاد محور مقاومت

کشورهای جبهه مقاومت نظیر ایران، فلسطین، سوریه، لبنان و یمن در صورتی که از لحاظ اقتصادی تقویت شوند، علاوه بر افزایش حمایت داخلی، قدرت پاسخگویی قوی‌تری به اسرائیل از حیث نظامی، فرهنگی و سیاسی خواهند داشت. شناسایی نقاط مزیت کشورهای جبهه مقاومت و تعریف همکاری‌های مشترک این کشورها، همچنین استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی سایر کشورها و اتحادیه‌های اقتصادی در نظم جدید جهانی، راهبردهایی در جهت افزایش توان اقتصادی کشورهای جبهه مقاومت است. یکی از مزیت‌های ایران، دست برتر ایران در اقتصاد دفاع است. تولید داخلی و تلاش‌های دانشمندان ایرانی سبب شده تا هزینه تولید محصولات نظامی به طور قابل توجهی پایین باشد و در مقابل امکان صادرات آنها در برخی محصولات حتی تا ۵ برابر قیمت تمام شده فراهم باشد.

در بحث ضربه به زیرساخت‌های رژیم صهیونیستی به دلیل خوی وحشی‌گری این رژیم و پاسخ متقابل آن و اینکه ایران از لحاظ زیرساختی آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به اسرائیل دارد، بهتر است از این مسیر اقدامی نشود. تاکنون چنین اقدامی از سوی دو طرف انجام نشده و اسرائیل بهانه‌ای برای آلوده کردن خود به این جنایت پیدا نکرده است.

اما در ابعاد و حوزه‌های دیگر اقتصادی که بیان شد به اضافه یک گزینه دیگر یعنی «اختلال در امنیت انتقال انرژی در جهان برای کشیدن ترمز اسرائیل توسط آمریکا و غرب» مزیت عملیاتی وجود دارد. تشریح ابعاد اقتصادی در گزارش آینده انجام خواهد شد.

## «بریکس» مسیری برای ترویج تجارت و سرمایه‌گذاری



رشد تجاری ۱۰.۷ درصد سالانه بین کشورهای عضو بریکس حکایت از ظرفیت بریکس برای ترویج تجارت و سرمایه‌گذاری دارد. ترویج تجارت با ارزهای محلی و ایجاد پلتفرم پرداخت دیجیتال نوآورانه در بخش «زیرساخت‌های مبادلاتی»، ایجاد بستر مشارکت اجتماعی در بخش «زیرساخت‌های اجتماعی» و افزایش موضوعاتی برای همکاری در بخش «دستور کار» از جمله اقدامات مثبت بریکس به شمار می‌رود.

محدودیت‌هایی از قبیل ارزش‌های غیرمشترک و نظام‌های سیاسی و اجتماعی و اگرچه اولویت‌های متنوع در سیاست خارجی و اولویت‌های امنیتی و فقدان نظام سلسله‌مراتبی با رهبری مشخص در ظرفیت‌های بریکس خللی وارد نمی‌کند. چنانچه از منظر واقع‌گرایانه به این ساختار نگریسته شود ظرفیت‌های غیر قابل وصفی در آن نهفته است.

### «بریکس» مسیری برای ترویج تجارت و سرمایه‌گذاری

بریکس می‌تواند تجارت و سرمایه‌گذاری را بین اعضای خود ترویج کند و همچنین به توسعه اقتصادی و اجتماعی این اعضا کمک کند. در همین راستا طی ده سال گذشته، تجارت بین کشورهای عضو بریکس به طور متوسط سالانه ۱۰.۷ درصد رشد داشته است؛ در حالی که این رقم در سطح تجارت جهانی تنها ۲ درصد بوده است.

بانک جدید توسعه و ترتیبات ذخیره احتمالی بریکس ابزارهایی است که از طریق آن می‌توان از یک جایگزین بالقوه برای صندوق بین‌المللی پول استفاده کرد. علاوه بر این، ترویج تجارت با ارزهای محلی و ایجاد با یک پلتفرم پرداخت دیجیتال نوآورانه و سایر مکانیسم‌های پرداخت، روند جاری دلارزدایی از اقتصاد جهانی را تسریع می‌بخشد.

### گسترش موضوعات در دستور کار بریکس

دستور کار بریکس به تدریج در حال گسترش است و حوزه‌هایی مانند مدیریت انتقال انرژی، تامین امنیت غذایی، مبارزه با



## تفاوت بودجه‌های دولت‌های ۱۳ و ۱۴

رویکرد دولت‌ها در حوزه اقتصاد و سیاست از طریق بودجه سال مشخص می‌شود و در ادامه نیز بخش مهمی از بررسی عملکرد آنها با شاخص میزان تحقق آن سنجیده می‌شود. برای نمونه، همواره در بررسی عملکرد اقتصادی دولت‌ها در سال اول مسئولیت آنها به این نکته اشاره می‌شود که سال اول را نمی‌توان ملاک قضاوت دولت قرار داد که دلیل آن طرح‌ریزی بودجه سال اول در دولت قبل است. بنابراین، رویکرد اقتصادی دولت چهاردهم از هم اکنون و در بودجه سال ۱۴۰۴ بسیار شفاف‌تر می‌شود.

دولت سیزدهم رفع مشکلات کشور را از طریق اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی دنبال می‌کرد. از نظر دولت شهید رئیسی باید تولید در کشور حمایت می‌شد و کسری بودجه از طریق مدیریت خلق پول و کنترل نقدینگی اتفاق می‌افتاد؛ این رویکرد در بودجه تبلور می‌یافت؛ مثلاً در بودجه‌نویسی مالیات بر تولید را از ۲۵ درصد به ۱۸ درصد کاهش داد و از طرفی سهم منابع پایدار را در بودجه افزایش داد و سهم نفت را کاهش کرد. در حقیقت رویکرد اقتصادی دولت از طریق طرح‌ریزی بودجه آشکار شد و به تبع آن بسیاری از نقدها و حمایت‌ها از دولت نیز از این مجاری صورت گرفت.

دولت چهاردهم را نیز می‌توان با همین شاخص مورد ارزیابی قرار داد؛ بودجه ۱۴۰۴ در مقایسه با بودجه سال‌های گذشته شفاف‌تر است که نشان از رویکرد استقبال از شفافیت دولت دارد؛ دولت چهاردهم اگرچه اجرای برنامه پنج ساله توسعه را در دستور کار خود قرار داده، ولی همه بخش‌های این برنامه را یکسان مورد توجه قرار نداده است؛ رشد اقتصادی و تولید به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. در یک نگاه کلان، دولت چهاردهم به دنبال ثبات اقتصادی و پیش‌بینی پذیر بودن اقتصاد است.

«آقای محمد قاسمی» معاون اقتصادی سازمان برنامه و بودجه به صراحت اعلام می‌کند سازمان برنامه بین سه هدف رشد اقتصادی، برقراری ثبات و بهبود توزیع درآمد، اولویت را به ثبات اقتصادی داد. یکی از موارد خاص بودجه که با واکنش‌های رسانه‌ها و تحلیل‌گران اقتصادی مواجه شد، میزان اوراق مالی است. با اینکه رقم اوراق رشد قابل توجهی داشته است، اما سخنگوی سازمان برنامه و بودجه در توجیه آن گفته است: ۴۷۰ همت از این اوراق مالی بدهی دولت در سال قبل است و ۲۰۰ همت آن مربوط به بهادار سازی مطالبات بانک‌ها است.

## جنگ اقتصادی را باور نکرده‌ایم



پرویز داوودی، عضو فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام در پنجمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی گفت: ما تحریم‌ها را داریم، اما مشکل این است که جنگ اقتصادی را باور نداریم که نمونه آن در بودجه مشاهده می‌شود. جنگ اقتصادی مانند بمب شیمیایی است و آثار آن بلندمدت‌تر، شدیدتر و مخرب‌تر از جنگ نظامی است. آمریکا در سال ۲۰۰۰ دفتر ویژه‌ای را در وزارت خزانه‌داری برای رصد اقتصاد در کل جهان در وزارت دارایی خود راه اندازی کرد و اولین هدف آن ایران بود.

منبعی مهمی از ایده‌ها و پیشنهادها برای سازمان‌های بین‌المللی نهادها و گروه‌های غربی مانند اتحادیه اروپا، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، G۷ و G۲۰ به عنوان تنها منبع ایده‌ها، پیشنهادها، مدل‌ها و اصول جدید برای سازمان‌های جهانی و نظم جهانی بودند؛ اما بریکس به عنوان یکی از گروه‌های مهم غیرغربی، در موقعیتی است که می‌تواند این انحصار را بشکند و پیشنهادهایی ارائه دهد که منعکس‌کننده منافع اساسی طیف وسیعی از کشورهای در حال توسعه است.

این مواضع شامل پیشنهادهایی در خصوص اصلاح نهادها بین‌المللی چندجانبه، از جمله خود سازمان ملل متحد است. البته توانایی بریکس در انجام این کار به تعهد سیاسی، کیفیت متخصصان درگیر، ظرفیت‌های رسانه‌ای و سایر عوامل بستگی دارد. با این حال، بریکس با ارائه و طرح ایده‌های نوین قادر است در رقابت‌های جهانی شرکت کند.

تلاشی برای گفتگوی تمدن‌ها، ترویج تجارت و رشد سرمایه‌گذاری اهمیت گفت‌وگوی مستقیم بین تمدن‌های مختلف با دور زدن واسطه‌های غربی یکی از مزایای گروه بریکس به شمار می‌رود. رویکرد ترجیحی شی جین پینگ در ابتکار تمدن جهانی در مارس ۲۰۲۳ یکی از نمونه‌های آن است.

تعاملات اجتماعی در قالب‌های مختلف یکی از مکمل‌های ضروری برای گفتگوی تمدن‌ها، ترویج تجارت و رشد سرمایه‌گذاری است. از بیش از دو بیست رویدادی که روسیه به عنوان کشور میزبان بریکس برای سال ۲۰۲۴ برنامه ریزی کرده بود، سهم بزرگی به گردهمایی دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، مراکز تحقیقاتی، نهادها جامعه مدنی و انجمن‌های حرفه‌ای تعلق دارد.

به عبارتی اگر گفت‌وگوی سیاسی در بریکس، اسکلت گروه را تشکیل می‌دهد و تجارت و سرمایه‌گذاری بافت عضلانی آن را، تعامل اجتماعی در قالب‌های مختلف می‌تواند به عنوان خون در ساختار بریکس در نظر گرفته شود.



## زندگی روزمره در آینه سریال «دوستان»

حدیث ملاحسینی

سی سال پیش بود که ۶ دوست، با یک سریال درهای خانه‌های مردم دنیا را زدند و سریال «دوستان» به مدت ده سال با داستان‌ها و مسائل هر روزه‌شان مهمان آنها شدند. این مهمانی البته منحصر به این بازه زمانی و مکانی نشد و همان‌طور که می‌بینیم، محبوبیت سرگذشت این دوستان و طنزپردازی آنها تا به امروز کش آمده و مرزها را درنوردیده است. سال گذشته، «متیو پری» بازیگر نقش «چندلر بینگ» چشم از جهان فرو بست و سی‌مین سالگرد این سریال خاطره‌انگیز را به چشم ندید. به بهانه سی‌ساله شدن این سریال نگاهی به آن داشتیم تا ببینیم «دوستان» چه چیزی داشت که مردم آن را دنبال می‌کردند.

در برنامه‌های این‌چنینی که sitcom نام دارد، مسائل و موضوعاتی مطرح می‌شوند که در زندگی روزمره و واقعی آدم‌ها جاری و ساری است؛ موضوعات آشنایی همچون روابط دوستانه و عاشقانه، بیم‌ها و امیدها، موفقیت‌ها و شکست‌ها، آرمان‌ها و رویاها و تجربه لحظات شاد و غم‌انگیز. به همین ترتیب، مخاطب با چنین اثری به راحتی همذات‌پنداری می‌کند و آن را آینه زندگی خود می‌پندارد. اما نکته جالب توجهی که وجود دارد، این است که تنها شباهت نیست که باعث ایجاد این حس خوشایند در او می‌شود. بلکه باید به این واقعیت اشاره کرد که سریالی همچون «Friends»، در عین نزدیکی با زندگی واقعی، خیلی هم از آن دور است و شاید همین خصلت متناقض آن است که این‌چنین برای مخاطب دلچسب است.

و اما این خصلت متناقض که احتمالاً راز محبوبیت سریال است را چگونه می‌توان واکاوی کرد و توضیح داد؟ پاسخ این است که این سریال با ریتم سریع و شخصیت‌پردازی دقیقی که دارد، با منطق متفاوتی به رخدادها و مسائل زندگی روزمره می‌پردازد.



## هفت پروژه ریدلی اسکات تا پایان ۲۰۲۷

«ریدلی اسکات» کارگردان، گفته است که پروژه‌های بعدی خود را تا سه سال آینده تعیین کرده و سه فیلمنامه آماده فیلمبرداری دارد.

یکی از هفت پروژه‌های او «نبرد بریتانیا» است که به حمله ارتش آلمان به اهداف نظامی و صنعتی بریتانیا می‌پردازد. فیلم «باید برقصی» که بیوگرافی گروه «بی‌جیز» را به تصویر می‌کشد و فیلم «بیمب» هم در دست ساخت هستند. همچنین تریلر جاسوسی «ملکه کشور» و فیلم «سگ‌های بزرگ» با داستانی درباره وال استریت از دیگر پروژه‌های سال‌های آینده او هستند. او پیش‌تر تأیید کرده بود که نگارش فیلمنامه «گلا دیاتور ۳» را شروع کرده و «گلا دیاتور ۲» در اواخر ماه نوامبر پخش خواهد شد.

## نویسندگان جهان اسرائیل را بایکوت می‌کنند

جشنواره‌ها، آژانس‌های ادبی و نشریاتی که در نقض حقوق فلسطینی‌ها شامل اعمال سیاست‌ها و رویه‌های تبعیض‌آمیز یا طبیعی جلوه دادن و توجیه آپارتاید و نسل‌کشی اسرائیل، سهمیم هستند، همکاری نخواهند کرد.

بر اساس این بیانیه نهادهایی که هرگز به‌طور عمومی حقوق غیرقابل انکار مردم فلسطین را بر اساس حقوق بین‌الملل به رسمیت نشناخته‌اند نیز تحریم خواهند شد.

در این بیانیه آمده است: «اسرائیل غزه را زیست‌ناپذیر کرده است. شمار دقیق فلسطینیان کشته شده از اکتبر (۲۰۲۳) تاکنون مشخص نیست زیرا اسرائیل تمامی زیرساخت‌ها، از جمله امکانات آمارگیری و دفن کشته‌شدگان را نابود کرده است. با این حال، می‌دانیم که اسرائیل بیش از ۴۳ هزار فلسطینی را از اکتبر تاکنون در غزه کشته است و این بزرگ‌ترین جنگ علیه کودکان در قرن حاضر به دنبال ۷۵ سال آوارگی، پاکسازی قومی و آپارتاید است.

مؤسسات فرهنگی اسرائیلی که اغلب مستقیماً با دولت همکاری می‌کنند، در پنهان‌سازی و هنر آرای سلب مالکیت و سرکوب میلیون‌ها فلسطینی طی دهه‌ها نقش اساسی داشته‌اند.

ما نقشی داریم که باید ایفا کنیم. ما نمی‌توانیم با وجدان راحت با مؤسسات اسرائیلی بدون بررسی رابطه آن‌ها با آپارتاید و کوچ اجباری (فلسطینیان) همکاری کنیم.»

در این تعهد آمده است که در گذشته نویسندگان بی‌شماری علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی موضع مشابهی اتخاذ کردند چون وجدان انسان اجازه نمی‌دهد که نسبت به آپارتاید و آوارگی مدرن بی‌تفاوت باشیم و با مؤسسات رژیم صهیونیستی وارد تعامل شویم. از آنجایی که جنگ به مرحله جدیدی می‌رسد، درک آنچه در حال رخ دادن است و آنچه در آینده اتفاق افتاده است مهم‌تر از همیشه است.

این کمپین توسط جشنواره ادبی فلسطین (که به‌عنوان Palfest نیز شناخته می‌شود) سازماندهی شده است و با همراهی گروه‌های «کتاب علیه نسل‌کشی» و «کتاب‌های عاری از سوخت فسیلی» تهیه شده و به وضعیت غزه می‌پردازد.

درگیری در فلسطین اشغالی، همچنان زندگی‌های بی‌شماری را نابود می‌کند. صحنه‌های جنگ رژیم صهیونیستی با مردم غزه از ۷ اکتبر تاکنون میلیون‌ها نفر را در سرتاسر جهان آشفته کرده است و بحران با شدت فزاینده‌ای در لبنان و کرانه‌ی باختری در حال وسعت است. شمار امضانندگان این نامه تا این زمان از هزار نفر فراتر رفته است.



## پایان باز

اصلی توقف یک سریال را اقبال یا عدم اقبال مخاطبان شکل می‌دهد اما وضعیت فعلی نمایش خانگی نشان از آن دارد که درگیری‌های درونی سازندگان و تولیدکنندگان نمایش خانگی اهمیت بیشتری از نگاه مخاطبان و اقبال و نظرشان به آثار این بستر نوظهور تولید محتوا دارد.

شماره	نام اثر	کارگردان	وضعیت پخش	دلیل توقف
۱	قلب یخی	محمدحسین لطیفی و سامان مقدم	آغاز نشدن فصل چهارم	عدم بازگشت سرمایه
۲	عشق تعطل نیست	بژن بیرنگ	توقف در قسمت پنجم	اختلافات میان صاحبان اثر
۳	قهوه تلخ	مهران مدبری	توقف در قسمت صد و دو	نامعلوم
۴	ایله	کمال تبریزی	توقف در فصل اول	اختلافات میان صاحبان اثر
۵	قبیله عالم	حامد محمدی	توقف در قسمت هفتم	تعدد در ممیزی‌ها
۶	جزیره	سیروس مقدم	توقف توسط پلتفرم	ضعف فنی اثر
۷	خواب زده	سیروس مقدم	توقف توسط پلتفرم	نامعلوم
۸	گیسو	منوچهر هادی	عدم تولید فصل سوم	اختلافات میان صاحبان اثر
۹	آمستردام	مسعود فرارگرنو	عدم پخش قسمت آخر	اختلافات میان صاحبان اثر
۱۰	میدان سرخ	ابراهیم ابراهیمیان	توقف در فصل اول	اختلافات میان صاحبان اثر
۱۱	رقص روی شیشه	مهدی گلستانه	توقف در قسمت دوازدهم	اختلافات میان صاحبان اثر
۱۲	کلیله و دمنه	مرضیه برومند	توقف در فصل اول	نامعلوم

با این حال نمی‌توان ممیزی را به عنوان تنها دلیل توقف و یا سرهم بندی شدن اجباری آثار نمایش خانگی دانست. خواب‌زده‌ها، قهوه تلخ و کلیله و دمنه هنوز دلیل مشخصی را به مخاطبان برای ادامه پخش ارائه ندادند. از طرفی سازندگان سریال قبیله عالم فشار ممیزی‌ها را دلیل هفت قسمتی شدن این اثر دانستند.

در اکثر کشورهای جهان دلیل

پس از حوادث ۷ اکتبر، کسی تصور نمی‌کرد دامنه‌ی این جنگ به سمت یک نسل‌کشی بزرگ کشیده شود و تمام آزادی‌خواهان جهان برای توقف آن با یکدیگر متحد شوند. خبری بخوانید از تعهد مطرح‌ترین نویسندگان امروز جهان برای توقف ماسین نسل‌کشی اسرائیل:

بیش از هزار نویسنده با امضای نامه‌ای که در تاریخ ۲۸ اکتبر (۷ آبان) منتشر شد، توضیح داده‌اند که صنعت نشر با «عمیق‌ترین بحران اخلاقی، سیاسی و فرهنگی در قرن بیست و یکم» روبه‌روست. نویسندگانی از جمله برندگان جایزه نوبل، جایزه پولیتزر و بوکر این کارزار را امضا کرده و به بزرگ‌ترین بایکوت فرهنگی تاریخ علیه صنعت نشر اسرائیل پیوسته‌اند.

سالی رونی (Sally Rooney)، ریچل کوشنر (Rachel Kushner) و آرون‌داتی روی (Arundhati Roy) از جمله نویسندگان برجسته‌ای هستند که در بیانیه‌ای متعهد شده‌اند با ناشران، جشنواره‌ها یا انتشارات موسسات فرهنگی رژیم صهیونیستی که «همدست در نقض حقوق فلسطینی‌ها هستند» همکاری نکنند.

سالی رونی، نویسنده و فیلم‌نامه‌نویس ایرلندی که رمان نخست وی با عنوان «صحبت با دوستان» در سال ۲۰۱۷ منتشر شد و در سال ۲۰۱۸ با انتشار کتاب «مردم عادی» به شهرت رسید از امضانندگان این بیانیه است. نویسنده‌ی «اینترمزو» که از منتقدان جدی دولت اسرائیل در رفتار با مردم فلسطین بوده، زمانی توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد که پیشنهاد یک ناشر اسرائیلی برای ترجمه‌ی رمان سومش «دنیای زیبا، تو کجایی؟» را به زبان عبری در سال ۲۰۲۱ رد کرد.

آرون‌داتی روی نویسنده‌ی هندی نیز از منتقدان سرسخت رژیم صهیونیستی است. روی هنگام پذیرش جایزه ادبی «پن پینتر» در اوایل ماه اکتبر، سخنرانی خود را به بحث غزه اختصاص داد و گفت که جایزه‌ی نقدی خود را به صندوق امداد کودکان فلسطین اهدا خواهد کرد.

نویسندگان برنده جایزه نوبل عبدالرازق قورنه و انی ارنو نیز از امضانندگان این بیانیه هستند و برندگان جایزه پولیتزر از جمله ویت تان نوین و جونو دیاز نیز در این فهرست حضور دارند.

اسامی نامزدهای جایزه بوکر امسال (۲۰۲۴)، پرسپوال اورت و ریچل کوشنر، نویسنده‌ی شناخته شده‌ی آمریکایی، به همراه نویسندگان یهودی‌تبار مانند جودیت باتلر، ناومی کلاین و میریام مارگولیس نیز در این فهرست دیده می‌شوند.

امضانندگان این نامه اعلام کرده‌اند که با ناشران،

محمدحسین سلطانی

## فیلترینگ، جدی بودن یک ساده سازی

محمد محمدی نیا

دکتر محمد محمدی نیا در نشست علمی «فیلترینگ، جدی بودن یک ساده سازی» با اشاره به اینکه مساله فیلترینگ به مثابه یک دربی سرخابی شده است، اظهار کرد: این در حالی است که نیاز به فیلترینگ فارغ از گروه‌های سیاسی داشتیم مطرح است، از سوی دیگر اینکه شعاری تحت عنوان رفع فیلتر در سطح کشور مطرح شد و تا حدی این شعار توانست نسبت به مردم ایران در قالب یک نماد انتخاباتی بخشی از حمایت‌ها را به سمت خود جلب کند؛ به بیان دیگر هم جنبه‌ای برای جلب کردن برخی حمایت‌ها داشت و هم جنبه سلبی برای کنار زدن برخی رقبا داشت، وجه نمادین این شعار واقعیتی بود که مشاهده کردیم.

## ■ گفت و گوی نخبگانی باید وارد میدان شود

عضو هیات علمی گروه غرب شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: باید بررسی کنیم و شعار را از نو بخوانیم و ببینیم که فیلتر در کجای زیست‌بوم مجازی ایران قرار دارد، کلیت حرکت ملت ایران را از ابتدای انقلاب اسلامی نگاه کنیم و این بررسی را داشته باشیم که موقعیت‌یابی فیلترینگ کجا قرار دارد؟ در واقع فیلترینگ به دلیل آنکه در سایه برخی مفاهیم اساسی قرار گرفته تنه به تنه مولفه‌هایی نظیر آزادی و توسعه می‌زند، یعنی وقتی این ادعا مطرح می‌شود که رفع فیلتر مطالبه عموم مردم است و برخی رسانه‌ها و دولتمردان این مساله را مطرح می‌کنند که از سمت مردم این مطالبه وجود دارد که تعدادی از سکوها خارجی رفع مسدودیت شوند؛ پیام‌هایی ارسال می‌شود از جمله اینکه مردم ما تمایل به آزادی بیشتر دارند و خواست آنها توسعه یافتن است و از قضا این نقطه‌ای است که گفت و گوی نخبگانی باید وارد میدان شود چراکه می‌تواند نگاه ساده‌سازی در فیلترینگ و رابطه‌اش در توسعه و آزادی را مشخص کند.

وی گفت: در اینجا ساده کردن به این معنا است که حرف‌های پیچیده را به گونه‌ای مطرح کنیم که مردم متوجه شوند؛ ساده‌سازی صرفاً به زبان قوم صحبت کردن و پرهیز از عبارات فنی نیست بلکه گاهی به مفهوم ساده‌انگاری است و این یعنی مبتذل کردن مفهوم و اینجا دقیقاً نقطه‌ای است که بحث بر سر آن وجود دارد که همان مبتذل شدن مفهوم توسعه یا آزادی است که در اینجا ذیل فعالیت فیلترینگ در ایران از سوی برخی مطرح می‌شود؛ من به این شعار به عنوان نماد فرهنگی نگاه می‌کنم، بهره‌برداری اصلی ذی‌نفعان از این شعار به ابتذال کشاندن مفهوم آزادی است؛ ضمن اینکه شیوه اداره امور در نظام نیز بعضاً با مبتذل شدن این مفهوم قربایت دارد چراکه اگر بخواهند امور را در سطح بنیادین بررسی کرده و در مورد آن بیندیشند باید تحولاتی در ما ایجاد شود که اکثر آماره‌ها این تحولات نیستیم و اراده و عزمی برایش نداریم.

محمدی نیا در ادامه مباحث خود را در قالب ارائه چند سرفصل نسبت به موضوعات اشاره شده تقسیم‌بندی کرد و افزود: نخستین سرفصل آن است که اساساً مبتذل شدن مفهوم آزادی و به تبع آن ساده‌سازی شعار رفع فیلتر حداقل از نظر من، هم نتیجه و هم علت نابودی سیاست در ایران است، ما وقتی فیلترینگ را به این سطح ساده‌انگار تبدیل می‌کنیم در واقع کاری کرده‌ایم که این مساله تبدیل به صورتی از مطالبه در زندگی مردم شود حال آنکه چیزی که فضای سایبر نیاز داشت، سیاست بود و ما به جای گشودن افقی برای سیاست در عرصه فناوری و ارتباطات در حال نابودی سیاست هستیم و این نابودی

فقط در فیلترینگ رخ نداده و در عرصه‌های دیگر نیز خود را نشان می‌دهد، برای مثال اتفاقی که در حوزه ارز، انرژی، مسکن و شهرسازی و مدیریت فرهنگی شاهد آن هستیم الگوهای مشابهی از این مساله هستند و فیلترینگ تنها یکی از مصادیق است در این الگو تکرار می‌شود.

## ■ نگاه کارشناسی ما افول کرده است

عضو هیات علمی گروه غرب شناسی پژوهشگاه گفت: سرفصل دوم من این است که آزادی که در اینجا مطرح می‌شود، چیست؟ ما می‌توانستیم رابطه آزادی و شهر، رابطه آزادی و فلسفه در شهر و بسیاری از مسائل دیگر از مطرح و از این مدخل به موضوع نگاه کنیم و اینکه اگر امروز شهر ایران بخواهد تاسیس شود این تاسیس ابتدا در سطح فلسفی اتفاق می‌افتد و تاسیس در سطح فلسفی خود را در مظاهر تمدنی نشان می‌دهد، حال اگر این اتفاق می‌افتد و می‌خواستیم با کلان‌داده موجود در کلیت فضای مجازی برخورد کنیم شرایطی مثل زمان قاجار می‌شود که مثلاً وقتی آنها با منابع فسیلی و زیرزمینی و کربن برخورد کردند چه رفتاری را از خود بروز دادند. حال سوال این است که آیا ما هم باید همان رفتار را نسبت به فضای مجازی و مساله فیلترینگ داشته باشیم؟ آنها منابع زیرزمینی را چیزی بیرون از سیاست سنتی و تنظیم مالی خود ندیدند، آیا ما نیز به جای استفاده از منابع ساخته شده از داده‌ها باید به همان سبک و سیاق رفتار و به جای فکر کردن به آینده ایران، این فرصت را به ساده‌ترین شکل ممکن‌اش معامله کنیم؟ البته این رویکرد ذی‌نفعانی هم دارد هر چند که بعضاً ذی‌نفعان هم مطرح نیستند بلکه نگاه کارشناسی ماست که افول کرده است.

این پژوهشگر تصریح کرد: ما نیاز به قانون‌مند کردن و مسئولیت‌پذیر کردن چند سکوا داشتیم که اگر بخواهیم این مساله را در روایت چند خطی توصیف کنیم این سوال را مطرح می‌کنم که چند سکوا از خدمات پایه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان کنونی ما خارجی هستند و البته به دلایل مختلف مسدود شده‌اند؟ از سوی دیگر این مساله مطرح شده که می‌خواهیم این سکوها را رفع فیلتر کنیم که البته مساله می‌تواند پاسخ حاضر و آماده‌ای از قبل داشته باشد و ما باید ابزارهای مختلفی که می‌توانستیم از قبل به صورت مرکب پیش‌بریم اجرا کنیم و شاید یکی از این ابزارها رفع مسدودیت باشد.

محمدی نیا گفت: از جمله ابزارهای مرکب این است که اولاً وقتی حکمرانی در یک موضوع می‌خواهد به سیاست‌گذاری و بعد قانون شدن در دستگاه‌های اجرایی برسد در گام نخست باید فرآیند اختصاصی خود را طی کند و این در حالی است که مساله فیلترینگ فرآیند تخصصی را در کمیسیون طی نکرده است؛ موضوع دیگر اینکه وقتی می‌خواهید فرآیند رفع مسدودسازی یک سکوی خارجی را داشته باشید، برنامه سامان‌دهی پس از این رفع مسدودیت چیست؟ موضوع دیگری که مطرح می‌شود این است که فیلتر شکن‌ها و پالایش‌شکن‌ها پس از رفع مسدودیت چگونه سامان دهی شوند؟

وی ادامه داد: پس از رفع مسدودیت گروهی از جمعیت ایران که به این سکوها دسترسی نداشتند هم اضافه می‌شوند و اگر نه بقیه که پروکسی داشتند و اکنون باید این دو را سامان‌دهی کرد، از سوی دیگر بسته مذاکره مطرح است یعنی مذاکره با صاحبان سکوا برای مسئولیت‌پذیر کردن آنها؛ به هر حال باید توجه داشته



باشیم که کشورهایی را در دنیا داریم که این مسیر را رفته‌اند؛ بلکه عصر فضای مجازی مثل دوران پیش از خود نیست و در واقع آن دولت ملی یا دولت -ملتی می‌دانند که در حال ورود به فضای مجازی است، حال با علم به این مطلب، راه مبارزه با صاحبان سکوا برای مسئولیت‌پذیر کردن آنها مسیری بوده که در همین روزها که مشغول سر دادن شعار رفع فیلتر این سکوها آن هم به ساده‌ترین شکل ممکن هستیم، برخی کشورها مشغول پیمودن‌اش هستند، راه مذاکره راهی بود که می‌شد به همان شکل مذاکره دنبال شود، قیمت‌گذاری و به طور کلی مالیات و ابزار مالی و برخورد با تخلف اپراتورها نکته قابل توجه دیگر در این عرصه بود نه اینکه شاهد باشیم اپراتور تخلف کند و پهنای باند داخلی را به قیمت پهنای باند بین‌الملل به مردم بفروشد.

عضو هیات علمی گروه غرب شناسی پژوهشگاه افزود: از مهر ۱۴۰۱ که مسدود شدن این چند سکوا آغاز شد ترافیک باند داخلی از حدود ۲۵ درصد به حدود ۵۰ درصد رسید یعنی پهنای باند داخلی و بین‌المللی، نزدیک به هم بودند؛ بنابراین اگر قرار بر این است که فکری برای مسئولیت‌پذیر شدن آنها مطرح کردیم فکری هم برای تخلف اپراتور شود و در آن طرح کلی، سیاست ما این باشد که هم تخلف اپراتور و هم تخلف‌های دیگر موثر در کندی اینترنت مورد بررسی واقع شود، بنابراین در نظر گرفتن بسته مرکب یعنی حکمرانی را قانون‌مند کردن و این فناوری را به قانون‌مند شدن نزدیک کردن.

وی تصریح کرد: گاهی در این مسیر محدودیت فنی وجود دارد یعنی هر چه که بخواهیم به صورت فنی قابل اجرا نیست و باید به صورت رفت و برگشتی در اجرا این تجربه را تکرار کنیم؛ وضعیت فعلی مجازی در کشور در موضوع خاص فیلتر و پالایش و پروکسی‌ها، وضعیت آشفته‌ای است و هیچ کسی قرار نیست از وضع آشفته فعلی دفاع کند، قرار است که بی‌نظمی و عقب ماندگی‌های این وضع بهبود یابد و سوال اصلی که به میان می‌آید آن است که آیا می‌خواهیم از این نقطه یک عقب‌گرد و حرکت قهقراپی به چند سال قبل داشته باشیم و تجارب خود را نابود کنیم؟ سیاست در نابودی تجربه است که نابود می‌شود؛ آیا ما درک کرده‌ایم که ناهنجاری‌هایی در این عرصه پدید آمده است و اکنون می‌خواهیم و باید به سمت آینده حرکت کنیم؟ (شیستان)



## هنر اصیل ایرانی روبه فراموشی است

زهرا قدسی

ورود بیش از حد اتباع افغانستانی به فرهنگ و هنر ایرانی دکتر زهرا قدسی مشاور عالی سازمان جهانی نخبگان و استاد دانشگاه در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اجتماعی» رادیو گفت‌وگو در مورد پیامدهای فرهنگی هویتی اتباع در ایران بیان کرد: افغانستان در سالهای دور جزو ایران بوده اما سالیانست که از ایران جدا شده و هویت و فرهنگ جداگانه ای دارند. اتباعی که به صورت غیرمجاز به کشور آمده اند درسرهایی را برای مردم ایجاد کرده‌اند. وی با اظهار گلایه از تولید فرش در خارج از ایران و فروش آن در داخل کشور به نام فرش ایرانی ادامه داد: افغانستان فرهنگ و هنر خاص خود را دارد اما به قدری در فرهنگ ایرانی وارد شده که هنر اصیل ایرانی به دست فراموشی سپرده شده است. تمام مسئولیت این حوزه بر گردن اتباع نیست بلکه مسئولان غفلت کرده اند. به طور کلی مسئولان دغدغه‌ای برای ثبت هنرهای اصیل ایرانی ندارند.

این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد: با روندی که وجود دارد به جایی خواهیم رسید که اتباع هویت سیاسی مستقلی در کشور به دست خواهند آورد. امروز بسیاری از دختران ایرانی که در خانواده‌های فقیر بوده اند با اتباع خارجی غیرمجاز استفاده کرده و فرزنددار می‌شوند و پس از مدتی، مرد به سادگی از مرز خارج شده و مادر فرزند تنها می‌مانند. حاصل این ازدواجها، فرزندان است که به قاچاق رو می‌آورند چرا که از جانب کسی هدایت و حمایت نمی‌شوند. این روند تنها مربوط به اتباع افغانستانی نیست بلکه فقر عامل اصلی این موضوع است که در نهایت به بی بند و باری فرهنگی منتج خواهد شد.

قدسی همچنین با اشاره به اشباع بازار کیف و از کشش از کارگران افغانستانی گفت: هیچ ایرادی ندارد که کشور به قدری ثروتمند باشد که بتواند وسیله اشتغال زایی اتباع را فراهم کند. اما باید در ابتدا زندگی راحتی را برای مردم داخلی فراهم کند. سوال اینجاست که در ورود اتباع افغانستانی چرا این حجم بی نظمی وجود دارد؟ این در حالی است که ایران تنها کشور هم مرز با افغانستان نیست.

بنابراین اگر در ورود این اتباع سخت گیری صورت می‌گرفت امروز می‌توانستیم تمام این ظرفیت را به فرصت تبدیل کرده و از نیروی کار فعال آن استفاده بهتری کردیم. اما کار به جایی رسیده که مردم احساس خطر می‌کنند. درست مانند زمانی که شعار ۲ فرزندی داده شد تا به جمعیت پیر امروز رسیدیم و در شرایط سخت اقتصادی امروز، مردم را به فرزندآوری تشویق می‌کنیم.

مشاور عالی سازمان جهانی نخبگان در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو ضمن الگوبرداری از تجربیات موفق دیگر کشورها در کنترل ورود اتباع به کشور یادآور شد: باید تمهیدات کشورهای موفق و پیشرفته را به کار گرفته و الگوبرداری کرد. اتباع افغانستانی از کشور خود طرد شده اند اما چرا به ایران می‌آیند؟

## پیشنهاد پرپلکسیتی به ناشران: شراکت در درآمد به جای فروش لایسنس



آینده را نیز به همراه خواهد داشت. به گفته وی، پرپلکسیتی از پایان ماه جاری برنامه تبلیغاتی جدیدی را آغاز خواهد کرد که می‌تواند منبع درآمدی پایدار برای ناشران باشد.

سرنیواس از طرح‌های پیشنهادی دیگر خود پرده برداشت که در آن پرپلکسیتی ربات‌های گفتگوی اختصاصی خود را برای پاسخ به سوالات کاربران بر اساس محتوای ناشران، به آن‌ها ارائه خواهد داد. با این حال، داو جونز در شکایت خود تأکید کرده که توافق‌نامه‌های لایسنس از ارزش بیشتری برای

به گزارش وبگاه خبری وال استریت ژورنال، پرپلکسیتی، استارت‌آپ جستجوی آنلاین مبتنی بر هوش مصنوعی، به دنبال دستیابی به توافق برای مشارکت درآمدی با ناشران خبری است؛ ناشرانی که این شرکت را به استفاده غیرمجاز از محتوای خود متهم کرده‌اند. آراویند سرنیواس، بنیان‌گذار و مدیرعامل پرپلکسیتی، طی روزهای اخیر اعلام کرد که رویکرد جدید این شرکت شامل تقسیم درآمدهای تبلیغاتی با ناشران می‌شود. این راهکار می‌تواند به جای پرداخت هزینه‌های لایسنس، مسیر تازه‌ای برای همکاری شرکت‌های فناوری با رسانه‌ها ترسیم کند. پیشنهاد مذکور پس از آن مطرح شد که شرکت داو جونز، ناشر وال استریت ژورنال و نشریه نیویورک پست، از پرپلکسیتی به دلیل نقض کپی‌رایت شکایت کردند.

پرپلکسیتی که از هوش مصنوعی مولد برای ایجاد پاسخ‌ها به جستجوی کاربران بهره می‌گیرد و قصد دارد با غول‌های این حوزه از جمله گوگل رقابت کند، به جای پرداخت مستقیم لایسنس به ناشران، خواهان تقسیم درآمد تبلیغاتی با آن‌ها شده است. سرنیواس با تشبیه این مدل به شراکت درآمدی اسپاتیفای با هنرمندان، اعلام کرد که رویکرد جدید نه تنها می‌تواند سودآوری بیشتری برای ناشران ایجاد کند، بلکه امکان رشد درآمدی در

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهوویی  
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهوویی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند  
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی  
تلفن: ۰۲۱۸۱۶۵۲۰۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۶۵۲۰۱۸  
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵  
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI  
@ASREGANOON  
@ASREGANOON



## نویسندگان جهان اسرائیل را بایکوت می‌کنند

بیش از یک هزار نویسنده با آغاز یک بایکوت گسترده علیه ناشران اسرائیلی، مخالفت خود را با سلب مالکیت فلسطینیان به دست اسرائیل اعلام کردند. نویسندگان برنده جایزه نوبل عبدالرزاق قورنه و انی ارنو و چهره‌های مطرح ادبیات جهان همچون سالی رونی، ریچل کوشنر و آرون داتی روی از امضاکنندگان اولیه این بیانیه هستند.

1

## زندگی روزمره در آینه سریال «دوستان»

۶ سال پیش بود که دوستان، با یک سریال درهای خانه‌های مردم دنیا را زدند و سریال «دوستان» به مدت ده سال با داستان‌ها و مسائل هر روزه‌شان مهمان آنها شدند. این مهمانی البته منحصر به این بازه زمانی و مکانی نشد و همان طور که می‌بینیم، محبوبیت سرگذشت این دوستان و طنزپردازی آنها تا به امروز کش آمده و مرزها را درنوردیده است.

1

تسلیم خواست خدا باش و  
به ریسمان الهی تکیه کن  
که پاره نشدنی است ...  
(سوره لقمان، آیه ۲۴)

## دیگومار ادونا و «دست خدا»

محمد جوادده چالی



سی‌ام اکتبر سالروز تولد اسطوره‌ی فوتبال دیه‌گو مارادوناست، کسی که در طول عمر شصت ساله‌اش تأثیری فراتر از عرصه‌ی ورزش و فوتبال به جا گذاشت و با اعتراض به مسائل اجتماعی و سیاسی جاری در جهان معاصرش، به یک نماد فرهنگی تبدیل شد. به همین مناسبت، شما را دعوت می‌کنیم به تماشای ویدئویی درباره روایت سینمایی گل معروف مارادونا در جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک:

که انگار ما داریم می‌رویم که جنگ دیگری را انجام دهیم. من می‌دانستم که این دست من بود که گل را به ثمر رساند. آبا این وجود این برنامه‌ی از پیش تعیین شده‌ی من نبود اما این عمل به قدری سریع اتفاق افتاد که حتی کمک داور ندید که من از دست خودم استفاده کردم. داور به من نگاه کرد و گفت: «گل». این یک احساس خوب مثل نوعی انتقام جویی نمادین از انگلیسی‌ها بود.»

سی‌ام اکتبر زادروز دیه‌گو آرماندو مارادوناست. مردی که هرگز از نشان دادن مخالفتش با جهان سرمایه‌داری و استعمار نترسید. مردی که با رهبران چپ آمریکای جنوبی مثل کاسترو، چاوز و چگوارا همدلی آشکاری داشت. مردی که در برنامه تلویزیونی اعلام کرد از بوش متنفر است و بوش باید متوقف بشود. مردی که در جنگ اسرائیل و فلسطین حمایت کامل خودش از فلسطین را اعلام کرد. مردی که دست خدا را انتقام از انگلیس عنوان کرد. مردی که همیشه خودش بود. مردی که وقتی مرد، رقیب سرسختش پله در نامه‌ی برای او نوشت: زندگی تو در صداقت تعریف می‌شد.

این گل «کمی با سر و کمی با دست خدا» به ثمر رسیده است. بله! دست خدا! این جمله‌ی است که مارادونا بعد از پیروزی مقابل انگلیس در یک چهارم نهایی جام جهانی ۱۹۸۶ به زبان آورد. دست خدا گلی است که مارادونا با دست وارد دروازه‌ی انگلیس کرد و به خاطر نبود امکانات بازمینی پیشرفته در آن زمان، داور و کمک داور گل را پذیرفتند. دست خدا منجر به قهرمانی آرژانتین و حذف انگلیس شد. انگلیسی که درست چهار سال قبل جنگی را برای تصاحب جزایر مالویناس یا فالکلند با آرژانتین به راه انداخته بود. جنگی که بعد از ده هفته با تسلیم نیروهای آرژانتینی به پایان رسید. خود مارادونا (در فیلم مستند مارادونا به کارگردانی آصف کاپادیا) دست خدا را به جنگ چهار سال قبل با انگلیس پیوند می‌دهد: «ما به‌عنوان آرژانتینی‌ها نمی‌دانستیم که ارتش در چه حالی است. آنها به ما گفتند که ما برنده جنگ شده‌ایم. اما در واقعیت، انگلیس ۲۰۰۰ برنده شده بود، افکار عمومی به نحوی شکل گرفت

## اجازه دست‌درازی داده نخواهد شد

فریبا محمدیان، معاون توسعه ورزش بانوان وزارت ورزش و جوانان در جمع خبرنگاران در جزیره بوموسی:

یک سفر بسیار مهم و دارای پیام از طرف جامعه ورزش و جوانان با درایت مقام عالی وزارت صورت گرفته است.

هدف اعلام حمایت از صیانت از تمامیت ارضی کشور است و به ویژه جزایر سه‌گانه ایران که جزایر همیشه ایرانی خواهند بود.

جامعه ورزش می‌خواهد این پیام را به تمام دنیا اعلام کند که اجازه هیچ‌گونه دست‌درازی را نخواهد داد و در کنار مردم شریف ایران، پاسدار خون تمام شهدا خواهد بود.

یکی از بحث‌هایی که ما بعد از این سفر خواهیم داشت، موضوع تجهیز اماکن ورزشی این منطقه خواهد بود.

اولویت ما بر اساس ماموریتی که داریم، توسعه برنامه‌های ورزشی برای زنان و دختران این منطقه است. محور برنامه‌های ما، بحث سلامتی و ایجاد شادابی و نشاط برای دختران و بخش بعدی، استعدادیابی و بررسی ظرفیت‌های ورزش دختران در این منطقه خواهد بود که این ظرفیت بالقوه، باید بالفعل شود.

## ۴۰۰ میلیون تومان هزینه اجاره VAR برای هر بازی



بر اساس اظهارات عضو هیات مدیره باشگاه آلمینیوم، فدراسیون فوتبال با ارسال نامه‌ای به باشگاه‌ها اعلام کرده هزینه اجاره VAR باید توسط باشگاه‌ها پرداخت شود.

بر همین اساس، هر باشگاهی که بازی‌اش با کمک VAR برگزار می‌شود باید حدود ۴۰۰ میلیون تومان بابت اجاره این سیستم بپردازد.

## کمیته اخلاق جور کش باشگاه‌ها

فریدون حسن



فوتبال طی این سال‌ها با خاطیان درست برخورد می‌کردند و باشگاه‌ها را هم موظف به برخورد درست با متخلفان می‌کردند، امروز شاهد این حجم از بی‌اخلاقی در بین مدیران و بازیکنان فوتبال نبودیم.

مفتوح بی‌اخلاقی و استفاده از ادبیات نامناسب دارد و به‌خاطر آن میلیاردی جریمه می‌شود، آیا این باشگاه و مسئولان آن صلاحیت رسیدگی به پرونده بی‌اخلاقی بازیکن‌شان را دارند یا اینکه اصلاً می‌توان از آن‌ها توقع چنین کاری را داشت؟

بنابراین واضح است که باید کمیته اخلاق فدراسیون به این ماجرا ورود کند. البته همین هم نشان از وخامت اوضاع اخلاق در فوتبال دارد. اوضاع وقتی بدتر می‌شود که متوجه شویم، جریمه فعلی مدیرعامل پرسپولیس مربوط به حرف‌های نامربوط چهار ماه قبل اوست و جناب مدیرعامل در طول این چهار ماه باز هم با ادبیات خاص خود از خجالت این و آن درآمده و باید منتظر صدور حکم برای آن‌ها هم باشیم.

از پرسپولیس مثال زدیم، چون دم‌دست‌ترین اتفاقات در این باشگاه رخ داده بود، والا کسی نیست که نداند بقیه مدیران باشگاه‌ها و بازیکنان تیم‌های فوتبال هم دست‌کمی از سرخ‌ها ندارند و فعلاً صدای بی‌اخلاقی‌های آن‌ها در نیامده است. به عنوان مثال می‌توان به خبر دستگیری‌های متعدد فوتبالی‌ها در میهمانی‌های شبانه، آن‌ها هم با حالت‌های غیرعادی اشاره کرد که هیچ‌گاه از سوی باشگاه‌ها نه محکوم شد و نه جریمه‌ای برای خاطیان در نظر گرفته شد. تازه سوابق نشان می‌دهد مدیرعاملان باشگاه‌ها با نهایت تلاش سعی در لاپوشانی ماجرا و فراری دادن مجرمان هم داشته‌اند.

حالا این متخلفان و این کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال که باید جور بی‌اخلاق حاکم بر فوتبال و باشگاه‌هایش را بکنند، هرچند که نباید از قصور این کمیته هم طی تمام سال‌های گذشته به‌سادگی گذشت، چراکه اگر کمیته اخلاق و انضباطی فدراسیون

اعلام حکم جریمه حسین کنعانی‌زادگان، مدافع پرسپولیس برای نزاع خیابانی از سوی کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال شائبه‌های زیادی را به وجود آورده که مهم‌ترین آن‌ها مربوط به مرتبط نبودن این اتفاق و این حکم به کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال است. اینکه چرا کمیته اخلاق فدراسیون به این موضوع ورود و حتی حکم صادر کرده سؤال مهمی است که البته می‌توان پاسخ مناسب آن را با توجه به وضعیت اسفبار اخلاق در فوتبال و باشگاه‌های آن داد.

در فوتبال دنیا رسم بر این است که در چنین مواقعی خود باشگاه‌ها دست به کاری شوند و بازیکن خاطی‌شان را احضار و او را جریمه می‌کنند. البته باید توجه داشت که این مسئله تنها در خصوص اتفاقاتی صدق می‌کند که شاکه خصوصی وجود نداشته باشد و مراجع عالی قضایی به پرونده ورود نکرده باشند. بارها هم دیده شده که باشگاه‌های بزرگ جهان بازیکنان خاطی‌شان را گوشمالی داده و جریمه کرده‌اند، اما ... اما اینجا در ایران اوضاع کاملاً متفاوت است. جریایی‌اش را هم باید در اخلاق حاکم بر فوتبال جست‌وجو کرد. کمیته اخلاق باید هم خارج از وظایف خود در این مقوله ورود کند. طبیعی است وقتی مدیران باشگاه‌های فوتبال در بی‌اخلاقی و عبور کردن از خط قرمزهای اخلاق‌مداری دست‌کمی از بازیکنان ندارند و حتی روی دست آن‌ها بلند می‌شوند باید هم کمیته اخلاق در کوچک‌ترین پرونده‌ها دخالت کند. حسین کنعانی‌زادگان مطابق عرف فوتبال جهان باید توسط کمیته انضباطی باشگاه پرسپولیس جریمه می‌شد، اما وقتی هم‌زمان مدیرعامل باشگاه پرسپولیس پرونده